

✓ حاج آقا مجتهدی و طلبه پروری

✓ معرفی کتاب «امپراتوری جنون»

✓ درسنامه «عرضه رفاقت!»

✓ فیش منبر مکتوب کوتاه «کمک مهربانانه»

✓ مسابقات «سؤالات پیرامون پیامبران (علیهم السلام)»

✓ از پذیرش قطعنامه تا اقتدار دفاعی

✓ مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین ملانوری



ایران
تابدیس - روز است

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

سفر امین

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

تیرماه ۱۴۰۴ ش

۴۷



ایران
جان



<https://eitaa.com/safiramin>



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۷

سفر امین

ماهنامه علمی-اطلاع رسانی «سفیر امین»

ویژه مبلغان و مربیان دانش آموزی

شماره چهل و هفتم

تیر ماه ۱۴۰۴

- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش های تبلیغی
- مدیر مسئول: محمود مقدمی
- سردبیر: محمد زنگونی
- دبیر اجرایی: سید حسین سجادی نیک

- شورای سیاست گذاری: حجج اسلام حسین ملانوری، محمود مقدمی، حسین معینی، سید محمد حسین تقوی، علیرضا زنگونی، همایون صدوقی، علیرضا رحیمی، محمود نوذری.
- هیئت تحریریه: حجج اسلام حسین ملانوری، محمود مقدمی، حسین معینی، حسن غفاری فر، محمد اسماعیلی مبارکه، صمد نظری، محمد کهنوند، محسن عموچی، رضا آخوی، محمد زنگونی.

- صفحه آرا و امور هنری: علی اسماعیلی

- قیمت نسخه دیجیتال: ۸۰۰۰ تومان

- نشانی دفتر: قم، خیابان شهید صدوقی علیه السلام، بیست متری فجر، خیابان دانش، مجتمع شهید صدوقی علیه السلام، فاز ۷، مرکز پژوهش های تبلیغی، دفتر ماهنامه «سفیر امین».

- صندوق پستی: ۳۷۱۳۱۶۶۴۴۷

- تلفن دفتر: ۰۲۵-۳۲۹۴۰۵۹۷

- شناسه فضای مجازی: @Msafiramin

یادآوری:

۱. مطالب 'سفیر امین' ویژه مبلغان و مربیان دانش آموزی است.
۲. مسئولیت مقالات و نوشته ها بر عهده نویسندگان است.
۳. مقالات همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی- پژوهشی، منتشر می شود.
۴. نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.
۵. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.



فهرست

۶	سرمقاله «حاج آقا مجتهدی و طلبه پروری» (محمود مقدمی)
دانش افزایی	
۱۲	جرعه جرعه تجربه «تجربه مبلغان موفق» (محمد زنگونی)
۲۱	کتاب «امپراتوری جنون» و برگزیده‌ای از متن کتاب (الهام آقا جانی)
۳۲	مصاحبه (راهبردهای نوین تبلیغ دینی در پرتو منشور «حوزه پیشرو و سرآمد»)
مهارت بخشی	
۴۷	مسابقات «سؤالات پیرامون پیامبران علیهم السلام» (مهدی سلیمانی آشتیانی)
ارائه محتوا	
۵۶	درسنامه «عرضه رفاقت!» (علی آب انباری)
۷۶	فیش منبر مکتوب کوتاه «کمک مهربانانه» (محمدعلی باقری)
۸۶	فیش منبر مکتوب کوتاه «مدال آور نزد خدا» (محمدعلی باقری)
بصیرت افزایی	
۹۷	تکرار تاریخ با حماقت دوباره دشمن و مدیریت راهبردی رهبری علیه السلام (مرتضی غرسبان روزبهانی)
۱۰۶	از پذیرش قطعنامه تا اقتدار دفاعی (مرتضی غرسبان روزبهانی)
۱۲۴	دلنوشته! (صالحه زنگونی)

با لمس هر عنوان در فهرست، به مقاله مورد نظر منتقل می‌شوید.





پیام امین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. اللهم لك الحمد قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرک الحارين نکال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين و معتمد المؤمنين. اللهم لك الحمد من مقتدر لا يغلب و ذى انات لا يأجل. هذا مقام من اعترف بسبوق النعم.

پروردگار! تو را بر نعمت‌های فراوانت، نعمت‌های استثنائیت با همه دل سپاس می‌گوییم. خدایا! تو را بر نعمت امامت و بر نعمت شهادت که به ما بخشیده‌ای سپاس می‌گوییم. خدایا! تو را بر نعمت این اراده و عزم پولادین، بر نعمت یکپارچگی و وحدت، بر نعمت این امت هوشیار و مؤمن، بر نعمت قرآن، بر نعمت اسلام، بر نعمت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی سپاس‌گزاریم. «هذا مقام من اعترف بسبوق النعم» ما به این همه نعمت‌های بزرگ اعتراف می‌کنیم، از توبه خاطر آن‌ها شکرگزاریم و خود را متعهد می‌دانیم که در برابر این نعمت‌ها عمل و اخلاص تقدیم آستان تو کنیم.

بخشی از خطبه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله

در اولین نماز جمعه بعد از شروع جنگ تحمیلی؛

مؤرخ: ۱۳۵۹/۰۷/۰۴

- 
- شروع ناگهانی داشت، طوفانی که حرفش بود •
 - رسید از شش جهت سجیل بارانی که حرفش بود •
 - رسید از سر رسید فتح، آن روز تماشایی •
 - رسید از سنگر فرمانده، فرمانی که حرفش بود •
 - برای انتقام خون دل‌هایی که می‌خوردیم •
 - فرود آمد همان شمشیر بَرّانی که حرفش بود •
 - و حالا دشمن است و صبحِ کابوسی که می‌گفتیم •
 - و حالا دشمن است و عصرِ خسرانی که حرفش بود •
 - بشارت باد گل‌ها را به فروردینِ روییدن! •
 - که نزدیک است آن سرسبز دورانی که حرفش بود •
 - بیا و گوش کن! از قدس دارد می‌رسد کم‌کم •
 - همان صوت صمیمی، صوت قرآنی که حرفش بود •
 - کسی «و الفجر» می‌گوید، کسی «و الفتح» می‌خواند •
 - کنار طبل آن جنگ نمایانی که حرفش بود •

فاطمه عارف‌نژاد



راهنمای

کنشگری در فضای مجازی در جنگ ایران و رژیم صهیونی

هفت راهکار مهم

۱ وحدت آفرینی؛ اصل اول

پرهیز از ارسال
محتوای تفرقه افکن!

۲

بایان صهیونیست به روایت یهود

روایت های دینی و آخرالزمانی از نابودی رژیم
صهیونیستی علی الخصوص از زبان یهودی ها



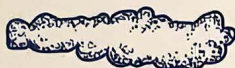
۳ سابقه درخشان نظام در شکست تهدیدات

یادآوری موفقیت های گذشته نظام
در عبور از تهدیدات مثل ترورهای دهه ۶۰،
هشت سال دفاع مقدس و ...

۴

فرماندهان امروز، هم تراز دیروز

افزایش اعتماد نسبت به فرماندهان
جدید با معرفی سوابق آنها



۵ بیان جنایات رژیم

بیان آمار کشتار غیر نظامیان

۶

خصومت آشکار با ملت ایران

نمایش هر گونه ابزار نفرت صهیونیستها
از مردم ایران



۷ آسیب های اجتناب ناپذیر

بیان این نکته که بعضی تلفات جنگ، مانند گل خوردن بهترین دروازه بان
فوتبال، جزء ذاتی نبردهاست.



حاج آقا مجتهدی و طبه پروری

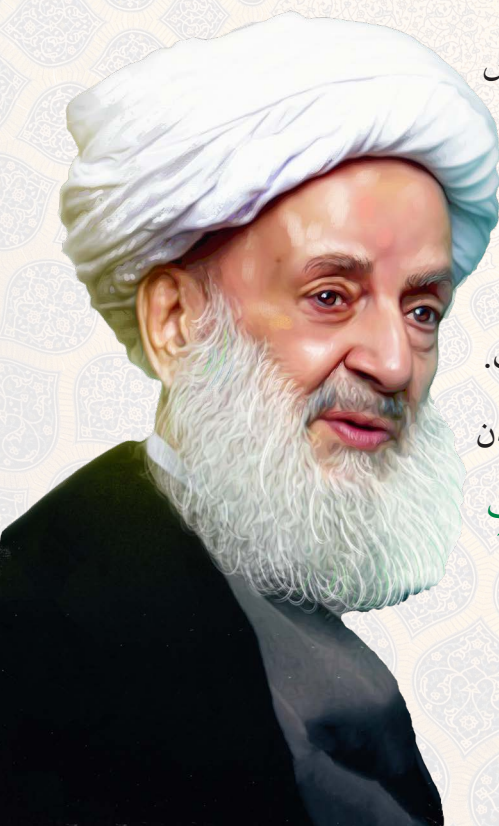
محمول مقدمه

چهل سال پیش، مثل همین روزها، با ترس و امید در محله چهارراه
سیروس تهران پا به کوچه شهید آل آقا گذاشتم، روبه روی حمام قبله،
مدرسه علمیّه حاج آقا مجتهدی. قبلاً چندین بار ایشان را دیده بودم:
خنده رو، بامحبت، نورانی و البته پرهیبت بود!



اما آن روز اضطراب داشتم؛ زیرا قرار بود برای **نام‌نویسی طلبگی** خدمت ایشان برسم. معروف بود که در پذیرش طلبه خیلی سخت‌گیر است. خودش می‌گفت: من در این مدرسه هرکسی را راه نمی‌دهم؛ باید جدای از همه شرایط رسمی، خودم طلبه را بپسندم! گاهی هم به شوخی می‌گفت: «طلبه باید خوشگل باشد؛ اگرچه بلال حبشی باشد!» بعد هم توضیح می‌داد که مرادش **نورانیت** است. می‌گفت طلبه باید آن قدر نورانی باشد که وقتی لباس روحانیت هم تنش نباشد، همه بفهمند او طلبه است.

مهربان بود! در همان نگاه اول عاشقش می‌شدی. لباسش ساده بود و زاهدانه. خیلی وقت‌ها به جای کفش، گالش می‌پوشید. وسایلش را به جای کیف در یک کیسه سفید می‌گذاشت و خودش کیسه را دستش می‌گرفت. البته طلبه‌ها را از این سبک لباس پوشیدن نهی می‌کرد و معتقد بود جوان‌ها باید **متناسب** **سنشان** لباس مناسب‌تری بپوشند.



روزی شهید محسن کریمی که از طلبه‌های محبوب حاج آقا و از دوستان نزدیک بنده بود، با کمی نگرانی گفت حاج آقا گفته بعد از درس بیا کارت دارم. وقتی برگشت، با خوشحالی گفت: حاج آقا یواشکی پولی به من داد و گفت: کفش هایت کهنه شده؛ برای خودت کفش نو بخر! حاج آقا به تمام ابعاد زندگی طلبه‌هایش دقت و نظارت داشت. از لباس و اصلاح سر و مدل ریش طلبه تا درس و بحث و سبک زندگی آن‌ها و از همه مهم‌تر، بُعد معنوی طلبه‌ها، برایش اهمیت داشت. نماز شب و شرکت در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام شرط اساسی برای ادامه طلبگی در مدرسه ایشان بود. می‌گفت: روزهای شهادت درس تعطیل نیست؛ درس ولایت داریم و طلبه‌ها را به اهل بیت علیهم‌السلام پیوند می‌زنیم. مشهور بود که مقام معظم رهبری حفظه الله که آن موقع رئیس جمهور بودند، فرموده بودند: اگر مدرسه حاج آقا مجتهدی نبود، من نمی‌دانستم فرزندانم را برای تحصیل کجا بفرستم!



شاید اغراق نباشد اگر بگوییم بیشتر کسانی که وارد این مدرسه می شدند، به عشق خود حاج آقا بود. طلبه ها هم دوستش داشتند، هم از اقتدار و هیبتش می ترسیدند.

حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی کار تبلیغ خودش را در یک مسجد قدیمی در همین محل فعلی مدرسه شروع کرده بود. می فرمود: وقتی این مسجد را تحویل گرفتم، انبار زغال و وسایل اضافی بازاری ها بود. مردم که دیدند طلبه ای آمده دارد مسجد را تمیز می کند، کم کم کم کم کردند و خاک ها و آشغال ها را از مسجد بیرون ریختیم. حصیری انداختیم و مسجد را افتتاح کردیم. روزهای اول، وقتی نماز می خواندیم، از سقف خاک می ریخت؛ ولی استقامت کردم.

هم نماز جماعت بود، هم صحبت می کردم،

هم روضه می خواندم، هم به

سؤالات جواب می دادم، هم

مسئله می گفتم.



کم کم شاگردهایی پیدا کردم و با چند نفر شاگرد، مسجد مدرسه علمیه هم شد. ایشان می فرمود: «وقتی بود که از گرسنگی، کتاب را با شال به شکم می بستم تا شکم باد نکند! ولی دست از وظیفه سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برنداشتم!» گاهی هم به شوخی می گفت: وقتی اشتها داشتم، نان نداشتم؛ حالا که همه چیز دارم، دیگر اشتها ندارم!

آیت الله شیخ احمد مجتهدی رحمه الله از بین ما رفت و دیگر در بین شاگردانش نیست؛ اما تا زمانی که بود، بی سروصدا و بی ادعا در گوشه این تهران بزرگ، برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برای انقلاب اسلامی ایران، هزاران سرباز تربیت کرد، شخصیت هایی مثل آیت الله خرازی، آیت الله استادی و دو



فرزند بزرگ تر مقام معظم رهبری حفظه الله، حجت الاسلام آقا سید مصطفی و حجت الاسلام آقا سید مجتبی، و...

اکنون نوبت ما مبلّغان دانش‌آموزی است که انجام وظیفه کنیم و با اخلاق خوب و جذابیت رفتار و نورانیت جانمان، فرزندان مؤمن و اهل بیتی ایران عزیز را انتخاب و با حوزه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا کنیم. این وظیفه ماست. باید هر روز از خودمان بپرسیم:



❁ به شانه کشیدی غم سینه‌اش را؟ ❁

❁ و یا چون بقیه تو سر بارِ یاری؟ ❁

❁ اگر یک نفر را به او وصل کردی ❁

❁ برای سپاهش تو سردارِ یاری ❁

محمد زنگنه

جرعه تجربه

جرعه جرعه تجربه
تجربیات مبلغان موفق

مقام معلم

فرزانه احمدی / قم

بهترین تجربه تبلیغی بنده در مدرسه این بود: دانش‌آموزان از یکی از معلمان مدرسه به شدت ناراضی بودند. من با بیان **جایگاه استاد** و استفاده از بیانات رهبری حفظه الله که با دانش‌آموزان داشتند، و دعاهای **صحیفه سجادیه**، با دانش‌آموزان صحبت کردم و آن‌ها را از اهمیت رفتار و احترام به استاد آگاه کردم.

از بیانات رهبر عزیزمان که به معلمان فرمودند:



«جَبَّارَانِ عَالِمِ نَبَاشِيد»^۱ استفاده کردم و آن را در محیط استراحت معلمان قرار دادم.

شکر خدا، روابط معلمان با دانش آموزان خیلی عالی و محترمانه شده. جو نارضایتی از معلمان نیز از بین رفته. بنده هر روز به نیت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرج‌الله‌شریف راهی مدرسه می‌شوم و از حضرت می‌خواهم به دختران شهرشان و من هم که یکی از آن‌ها هستم کمک کند.

گروه‌بندی

آمنه نیکنام / قم

یکی از روش‌هایی که به کار بردم این‌طور است: یک موضوع را مطرح می‌کنم. دانش آموزان را به دو گروه موافق و مخالف تقسیم می‌کنم و خودم گروه را مدیریت می‌کنم. از هر گروه یک نماینده پاسخ پرسش‌های گروه مقابل را می‌دهد. من صحبت‌های دانش آموزان را به سمت هدف مدنظر خودم سوق می‌دهم.

۱. «وَلَا تَكُونُوا جَبَّارَةً عَلَى الْعُلَمَاءِ». جَبَّار دو نوع است: جبار سیاسی، جبار علمی. جبار علمی نباشید، جبارانِ عالمِ نباشید، مثل فرعون. بنده این جور استادی را در یکی از دانشگاه‌های کشور، سال‌ها پیش، شاید ۴۰ سال، ۴۵ سال قبل دیده بودم که جوری با شاگردهایش حرف می‌زد و تعلیم می‌داد و برخورد می‌کرد که برخوردش فرعونی بود، نه برخورد پدر با فرزند. معلم ممکن است درشتی هم بکند؛ اما درشتی غیر از تحقیر است؛ غیر از اهانت است. شاگرد را باید تکریم کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری رَحِمَهُ اللَّهُ در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲)

بذر امید

معصومه قمقامی ورکی / قم

من از پروراندن امید در دل دختران با نشان دادن جایگاه والای زن مسلمان در تطبیق با سایر ادیان و کشورهای غیرمسلمان و گفت و گوی چهره به چهره و دوستانه با همه دانش آموزان با هر عقیده و ظاهری و مشارکت همه آن ها در فعالیت ها بازخورد خوبی گرفته ام.

کوه نوردان

احمد داعی / تهران

بنده از ابتدای کرونا که مدارس تعطیل شدند، یک گروه کوه نوردی با عنوان «مرد میدان» که برگرفته از شخصیت شهید سلیمانی رحمته الله علیه بود، درست کردم. با این روش خیلی از دانش آموزان مشتاق کوه نوردی شدند. تا الآن این گروه و کار ادامه دارد. در دل برنامه کوه نوردی در فرصت های مناسب، توانسته ام حرف های خودم را بزنم. واقعاً تأثیرگذار بوده.



ان شاء الله این گروه کوه‌نوردی تبدیل به باشگاه می‌شود. حتی دانش‌آموزانی که از مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند، ارتباطشان از این طریق با بنده برقرار است.

تیم‌سازی

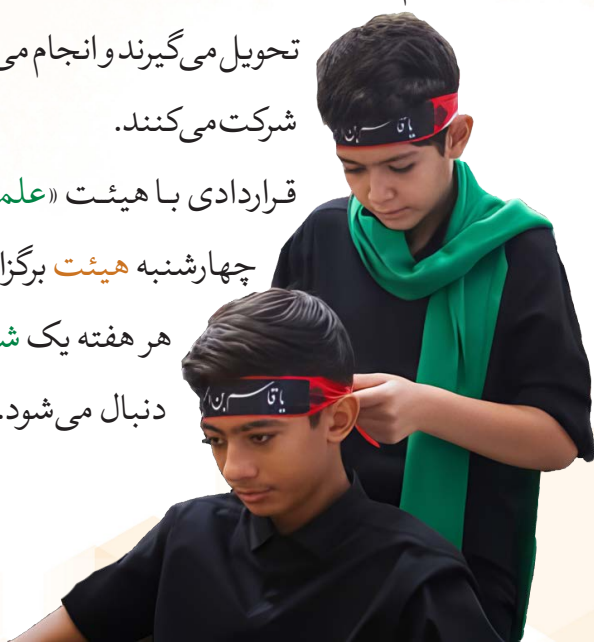
سبحان سالاری / قم

بهترین تجربه من **رفاقت** بوده. تیم‌سازی کردم و یک قرارگاه فرهنگی دانش‌آموزی **عاشقان حسینی** علیه‌السلام راه‌اندازی کردم. نصف دانش‌آموزان درگیر قرارگاه شدند. این قرارگاه از چهار کمیته از بسیج، هیئت، انجمن اسلامی و ستاد اقامه نماز تشکیل شده.

هرکدام زیرمجموعه‌هایی دارند و فعالیت‌ها و مأموریت خود را **ماه‌یانه** تحویل می‌گیرند و انجام می‌دهند. تمام بچه‌ها در هیئت شرکت می‌کنند.

قراردادی با هیئت «**علمدار**» بسته شده و روزهای چهارشنبه **هیئت** برگزار می‌کنیم.

هر هفته یک **شعار** با نیاز و مناسبت آن ایام دنبال می‌شود.



آزمایشگاه اخلاقی

روح الله عبداللهی فر / قم

در سالی که گذشت، به خاطر مشکلی که برای معلم پایه پنجم پیش آمده بود، چند روزی با دانش آموزان پنجم بیشتر بودم. گاهی بچه ها به هم **حرف های زشت** می زدند. گفتم بچه ها، من شنیده ام که این الفاظ زشت حتی در محیط اطراف ما هم اثر می گذارند، چه برسد بر خود ما. بعد گفتم: همه پا کار هستید آزمایش کنیم؟ قبول کردند. روز بعد، از منزل یک سیب زرد و یک سیب قرمز و یک پرتقال با دو ظرف دردار (ظرف عسل یک کیلویی) که تمیز شسته بودم، به کلاس آوردم. گفتم بچه ها، روی دو کاغذ، روی یکی چند حرف زشت و روی دیگری چند حرف خوب بنویسیم و هر کدام را روی بطری ها بچسبانیم. هر کدام از میوه ها را هم نصف کردیم و داخل هر کدام انداختیم، درشان را محکم بستیم و بالای پنجره کلاس گذاشتیم. (پنجره برای تهویه بود، نزدیک سقف کلاس). با بچه ها قرار گذاشتیم بعد از ده روز بیاییم به میوه ها سر بزنیم.



حرف‌های زشت این‌ها بود: آشغال، بدبو، شیطان، کثیف، و...
حرف‌های خوب این‌ها بود: خدا، فرشته، خوش‌بو، مهربان، و...
بعد از پنج روز، از پایین که نگاه کردیم، داخل دو بطری عرق کرده بود.
بعد از ده روز ظرف‌ها را پایین آوردیم. واقعاً عجیب بود! آن میوه‌هایی



«فیلم آزمایش»

که روی ظرف‌های زشت بود کپک زده بودند؛ ولی میوه‌های ظرف دیگر به قدری سالم بودند که می‌توانستیم آن‌ها را بخوریم. این آزمایش هم برای بنده و هم برای بچه‌ها بسیار شیرین بود و برای کنترل زبان بچه‌ها بسیار مفید.

به گفته‌ها عمل کن

علیرضا بنی‌هاشمی / قم

اخلاق خوب و مطابقت عمل با گفتار، دلیل جذب دانش‌آموزان و علاقه شدیدشان به روحانی است. حتی دانش‌آموزانی که در ابتدای سال با روحانی رابطه خوبی نداشتند، با همین روش جذب شدند.
بلیت استخر به عنوان جایزه در بحث نماز و فعالیت‌های فرهنگی، بسیار مؤثر بوده.

مسابقات جدول در هر مناسبتی و **مسابقات نقاشی** برای دانش آموزان ابتدایی، جذابیتش از سایر برنامه ها بیشتر بود.

رفیق شو!

مهدی اصلانی / قم

بهترین تجربه بنده **رفاقت** و **صمیمیت** با دانش آموزان است. برخورد دوستانه و بانرمی و درعین حال با **احترام** و **ادب**، باعث می شود دانش آموز در عین شناخت منزلت خود، مزه دوستی و رفاقت سالم را نیز بفهمد. حضور مستمر در حیاط مدرسه و در زنگ های استراحت و ورزش و پرسش از زندگی خانوادگی، درس، ورزش، مهارت ها و... با روش دوستانه و ورود به مسائل دینی با این زمینه چینی، مؤثر است و در تصمیم گیری آن ها در زندگی و آینده شان نقش بسزایی خواهد داشت.



«آن مرد با باران می آید.»

محمد امامی / قم

با همکاری مدیر، کتاب «آن مرد با باران می آید» را به دانش آموزان معرفی

کردم. کتاب را از انتشاراتش با تخفیف تهیه کردم و مسابقه

کتاب خوانی برگزار کردیم. بیشتر دانش آموزان خوششان

آمده بود و منتظر کتاب های بعدی

برای مسابقه بودند. چند نفر

کتاب را دوروزه خوانده

بودند. این مسابقه در

ایام ۱۳ آبان برگزار شد

و اطلاعات تاریخی

مفیدی را با زبان جذاب

به دانش آموزان انتقال می داد.

در نهایت، با همکاری مدیر

جوایزی تهیه کردیم و به پنج نفر دادیم.



نواوری در روش

مرضیه صدیق / قم، جعفریه

ارائه مطالب دینی باید با روش های جذاب باشد تا
 اثرگذاری بیشتری داشته باشد؛ مثلاً **تئاتر** اتفاقات
 تاریخی در ذهن بچه ها بیشتر جا
 می گیرد. **حفظ اشعار اخلاقی** و
 تأکید بر مضامین آن ها، درست
 کردن **کاردستی** با وسایل
 دورریز برای دوری از اسراف،
 و... نمونه برنامه هایی است
 که سعی کردیم در قالبی جذاب
 مفاهیم مدنظرمان را به دانش آموزان منتقل کنیم.



معرفی کتاب امپراتوری جنون

و برگزیده‌ای از متن کتاب

موضوع اصلی: جریان‌شناسی استکبار و غرب

موضوع فرعی: ۱۰۰ سند جنایت آمریکا

مفادطب: مبلغان و مربیان دانش‌آموزی

قالب: معرفی کتاب

مدت زمان تقریبی مطالعه: ۶ دقیقه



الهام آقاجانی

کتاب «امپراتوری جنون (۱۰۰ سند جنایت آمریکا)» به قلم جناب آقای **محمد محمدی‌نیا** نگاشته شده است. این کتاب به‌روشنی دسته‌بندی اسناد مهم در حوزه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی و باهدف

نشان دادن فرهنگ آمریکایی و پیامدهای آن تألیف شده است. ناشران متعددی همچون «مرکز مطالعات راهبردی فرهنگی افق» و «انتشارات وشوق» و «دفتر مطالعات فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری حفظه الله در دانشگاه‌ها» این کتاب را چاپ و منتشر کرده‌اند.





«فرهنگ آمریکایی» منحصر

به محدوده جغرافیایی خاصی

نیست و انسان‌ها در طول تاریخ

وقایع بسیاری، اعم از تبعیض نژادی،

ایجاد وابستگی و استثمار، نسل‌کشی و...

به چشم دیده‌اند؛ اما امروزه این امور به وضوح در

فرهنگ آمریکایی قابل مشاهده است. بنابراین وقتی سخن

از **آمریکاستیزی** می‌شود، منظور هر نوع مقابله مؤثر و هدفمندی است

که هدفش نابودی **نظام و فرهنگ** آمریکایی است، نه خود آمریکا یا

افرادی با نژاد آمریکایی. بی شک با زوال این فرهنگ غلط، خدا باوری،

عدالت، آزادی، برابری، توسعه و پیشرفت همه جانبه و متوازن در سطح

جهانی به وقوع می‌پیوندد.

📖 محتوای کتاب

کتاب «امپراتوری جنون» به شیوه مستند و با استفاده از مصادیق کلی

و مشخص و اغماض ناپذیری، در **پنج فصل** تلاش کرده **صد سند**

از جنایات آمریکا را بازگو کند. دانستن هریک از این جنایات باعث

آگاهی از علل اصلی پیشرفت آمریکا و سرمایه داران جهان می شود تا بیش از پیش اسیر پروپاگاندای رسانه ای موجود نشد.

مقدمه کتاب را از دست ندهید؛ چراکه در آن مؤلف ضمن تعریف چند اصطلاح رایج، خواننده را با زاویه نگاهی درست و بر پایه **اسناد موثق** موجود، به مطالعه دعوت می کند.

در **فصل اول** کتاب با فهرستی از اسناد مربوط

به **تروریسم دولتی** و انواع جنایات و

مداخلات نظامی مواجه می شوید؛

فهرستی که نشان می دهد آمریکا در پهنه وسیعی،

که تا افغانستان را نیز در بر می گیرد، دست از دخالت های

نظامی خود برنداشته است!

در **ادامه فصل اول**، به خصومت آمریکا علیه همه ادیان اشاره

شده است. نشانه های این نوع مداخلات منطقه ای و جهانی

طی ۲۱ سال (۱۹۸۰-۲۰۰۱) در **۱۳۴ سند** وجود دارد و به طور کلی در چهار

مرحله انجام شده است که شامل شرق آسیا، اروپای شرقی، آمریکای

لاتین و غرب آسیا می شود؛ یعنی این خصومت ها هم شامل بوداییان



و کُنْفوسیوس و هم مسیحیان (ارتودوکس و کاتولیک) و هم شامل تمدن اسلامی می شود. برخی از این جنایات با بمب های اشتقاقی پلوتونیوم و اورانیوم صورت گرفته و شهرهای هیروشیما و ناکازاکی را از هستی ساقط کرده است! اثرات بمب ها به حدی بوده که گاهی بر خود سربازان آمریکایی را نیز اثر کرده است.

برخی از مداخلات منطقه ای و جهانی آمریکا عبارت اند از:

- ایجاد عقب ماندگی و هتک استقلال
- جوخه های مرگ آلسالوادور و خزان گواتمالا^۱
- ترکیب کردن تحریم اقتصادی شدید با تهاجم نظامی
- هدف قرار دادن کارخانه داروسازی سودان
- حمایت از رژیم صهیونیستی
- ...



۱. این عبارت به دوره ای تاریک و خونین در تاریخ گواتمالا اشاره دارد. این دوره به عنوان «خزان» نام گرفت، چون فضای سیاسی و اجتماعی مثل یک زمستان بلند و سخت بود. دولت های نظامی و گروه های ضدانقلاب، با استفاده از جوخه های مرگ، سعی داشتند تمامی فعالان چپ، سیاستمداران، رهبران کشاورزی و حتی کشیش های لیبرال را ساکت کنند.

فصل دوم کتاب دربارهٔ دیکتاتوری بین‌المللی (جنایات سیاسی)

است و به‌طور کلی شامل دو بخش است:

اولین بخش فصل دوم به جنایات خارجی (جنایات علیه مردم جهان)



پرداخته است و بیان می‌کند که اقتصاد جهانی کارآمدترین ترجمان جنایات سازمان یافته است. در ادامه ذکر می‌شود که در سیاست و نگرش آمریکایی، آمریکا همان جهان و جهان همان آمریکاست و خواسته‌ها و علایق ایالات متحده باید خواست کل جهان باشد و همهٔ افرادی که با آن مخالف‌اند، درواقع مخالف رفاه و امنیت جهانی هستند. نویسنده با اشاره به کتاب «دولت یاغی» بیان می‌کند که

آمریکا در دهه‌های مختلف، از پرداخت بدهی‌های معوقه‌اش امتناع کرده، به پیمان‌نامهٔ (کنوانسیون) **حمایت از کودکان** در سازمان ملل ملحق نشده، موافقت‌نامهٔ (کنوانسیون) **منع شکنجه** را نقض کرده و پیمان‌الحاق آموزش، کار، بهداشت، تغذیهٔ مناسب و توسعهٔ ملی در زمرهٔ حقوق بشر را **وتو** کرده است. اسناد منتشرشده در این فصل زیادطلبی امپراتوری آمریکا را به خوبی نشان می‌دهند. هزینه‌های گزافی همچون احداث پایگاه‌های نظامی، ناوگان‌ها، هواپیماهای جنگی، حقوق کارکنان، بودجه‌های

اختصاصی ارتش مخفی سازمان سیا، و... از این نمونه است که درواقع
رشد مبادلات بین‌المللی را می‌کاهد و درآمد دیگر کشورها را در خود
می‌بلعد. مثلاً در صفحه ۷۴ می‌خوانیم:

... آمریکاییان در تلاش پیش‌دستانه برای تصرف مراکز
کلیدی و بندرها، بین چهارصد هزار تا پانصد هزار سرباز (ملیون
چینی)^۱ را به وسیله کشتی و هواپیما، از سراسر چین و منچوری
حمل کردند. پنجاه هزار تفنگ‌دار دریایی اعزامی رئیس‌جمهور
«ترومن»، برای تسلط بر نقاط استراتژیک چین به کار گرفته
شدند. در سال ۱۹۴۶ هنوز صد هزار سرباز و افسر آمریکایی در
چین به سر می‌بردند. شگفت آنکه آمریکا کوشید در جنگ
داخلی چین میانجی‌گری کند؛ درحالی‌که خودش شریک فعال
یکی از طرفین ملیون چینی بود. در سال ۱۹۴۹، کمک این کشور
به یکی از طرفین جنگ داخلی با حاکمان کمونیست چین به
دومیلیارد دلار نقد و یک میلیارد تجهیزات جنگی رسید. علاوه بر
آن، ۳۹ لشکر مخالفان حکومت را آموزش و سلاح داد....

۱. ملیون چینی (به چینی: 國民黨، Guómíndang) یا حزب کومینتانگ، یک حزب سیاسی مهم
در تاریخ چین بود که در سال ۱۹۱۲ توسط سون یات سن تأسیس شد. این حکومت از سال ۱۹۲۸
تا ۱۹۴۹ بر چین حکومت کرد و پس از شکست در جنگ داخلی چین، به تایوان عقب‌نشینی کرد.

نویسنده پس از اشاره به اینکه **صهیونی بودن با یهودی بودن متفاوت است**، کمک بلاعوض افرادی همچون چرچیل، کِنِدی، جانسون، آیزنهاور، ترومن و... به رژیم صهیونیستی را نیز از این دسته می‌داند و بیان می‌کند که مالیات آمریکایی‌ها صرف کمک به صهیونیسم می‌شود اما این اخبار یا به راحتی **سانسور** می‌شود یا با سکوت در محافل رسمی، از آن می‌گذرند.

در دومین بخش **فصل دوم** با جنایات داخلی (**جنایات علیه خود مردم**

آمریکا) مواجه می‌شوید که شامل بردگی سرخ‌پوستان،

سیاه‌پوستان، زمین‌خواری، مهاجرت اجباری

هفتاد هزار سرخ‌پوست از سرزمین مادری توسط

دولت جکسون (سرمایه‌گذار و رئیس جمهور

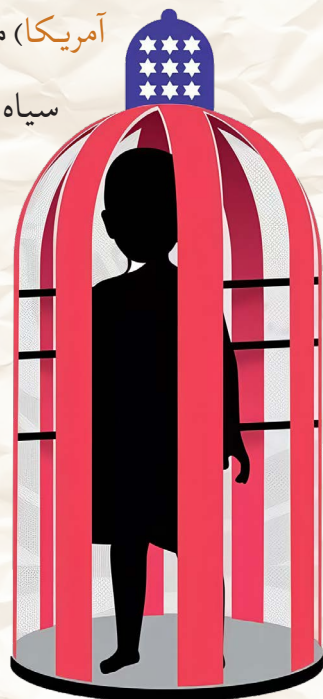
آمریکا) و جان‌سپاری عده‌ای از آن‌ها به

علت‌های مختلف است.

فصل سوم به جنایات فرهنگی-اجتماعی و

حقوقی از جمله **تروریسم مواد مخدر** می‌پردازد.

تجارت و سرمایه‌گذاری در زمینه انواع محصولات



مخدر مثل ماری جوانا، کوکائین، هروئین و دستگیر نکردن قاچاقچیان دانه درشت، ترویج مصرف‌کنندگان به مواد مخدر، و نابودسازی زمین‌های کشاورزی از این قبیل است.

از دیگر کارهای **ضد فرهنگی** آمریکا می‌توان به قاچاق اعضای بدن انسان، تخریب محیط زیست و بی‌اعتنایی به مفاد پروتکل کیوتو، سرقت علمی، قائل نشدن حق سیاسی برای زنان و حتی مردان فقیر یا از نژادهای سیاه و سرخ، وادارسازی مردم به خدمت در ارتش و تلاش کمیته اطلاعات همگانی برای تبدیل کردن مردم به جاسوسانی علیه یکدیگر (برای کنترل آن‌ها)، و مبارزه خشن با گروه‌های حامی آزادی عقیده اشاره کرد.

وجود **زندان‌های سری** یا زندان‌های داخلی در آمریکا با انواع شکنجه‌ها، از دیگر مشکلات جدی در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و حقوقی در آمریکاست. به علاوه، فرهنگ **پورنوگرافی**^۱ و انواع موسیقی‌های تهیج‌کننده در زمینه‌های جنسی و خشونت و تجاوز و قتل و...

۱. پورنوگرافی: به تصویر کشیدن رفتارهای جنسی انسان یا حیوان با هدف تحریک و برانگیختن مخاطب.

ابزارهای رسانه‌ای و وقوع انقلاب جنسی، افزایش جنایات و ازدیاد انواع بیماری‌های اجتماعی، وضع فجیع مدارس، و صنعت بد فست‌فود، همه و همه نوعی بازار پرسود برای ثروتمندان و نابودی ارزش‌هاست که بی‌شک جزء ذاتی لیبرالیسم مدرن آمریکایی است.

فصل چهارم خواننده را با **جنایات اقتصادی آمریکا** مواجه می‌سازد، یعنی چیدن یک سفره جلوی همه افراد اما با نهایت بی‌عدالتی. در این فصل مرگ سالانه چندین هزار کودک را در آفریقای جنوبی بر اثر بیماری مشاهده می‌کنید که نشان‌دهنده کشته شدن انسانیت در لای چرخ اقتصاد است. در ادامه نقش نهادهای سه‌گانه زیر به طور مختصر بیان

شده است:

WTO ■

■ صندوق بین‌المللی پول

■ بانک جهانی

این نهادها تصمیمات کاملاً
مخفیانه و غیرشفاف می‌گیرند؛



مثلاً با ندادن وام یا...، برای تولید و توسعه کارخانه‌ها مانع ایجاد می‌کند؛ با ایجاد دلار بر پول‌های دیگر، پول جهان را رهبری و اقتصاد داخلی و خارجی را به نفع خود کنترل می‌کنند. به علاوه با تجارت آزاد باعث واردات کالاهای ارزان قیمت و بی مصرف به یک کشور می‌شوند و بازار آن کشور را بر هم می‌زنند. یا با اهرم جهانی سازی (لیبرالیسم نو) باعث وارد کردن کالاهای آمریکا به کشورهای در حال توسعه می‌شوند اما جلوی صادرات همان کشورها به بازارهای خود را می‌گیرند.

فصل پنجم یعنی فصل آخر، به جنایت علیه ایران مربوط می‌شود: سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، کودتای ۲۸ مرداد، احیای نظام دیکتاتوری، مشارکت در جنایات شیمیایی و میکروبی و... به علاوه اینکه چطور جنگ نرم عامل بهره‌وری آمریکایی‌ها در ایران شده است. همچنین به جنایات آمریکا علیه ایران در بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله نیز اشاره شده است.



سخت‌نویس آخر

کتاب «امپراتوری جنون (۱۰۰ سند جنایت آمریکا)» با قلمی روان و قابل فهم نگاشته شده است. این کتاب کمک می‌کند به وقایع رخ داده در آمریکا و حتی دیگر کشورها با نگاهی جامع‌تر بنگریم. این کتاب بیش از پیش این جمله امام خمینی رحمه الله را اثبات می‌کند: «آمریکا شیطان بزرگ است!» برای مقابله با این شیطان و خنثی کردن توطئه‌هایش، باید با هوشیاری و بیداری اقدام کرد. یکی از راه‌های آگاهی و هوشیاری، خواندن تاریخ، بررسی اسناد و انتشار مطالب موثق و مهم است تا به این وسیله شبهات موجود برطرف شود و به بیداری در سطح جامعه و حتی در عرصه بین‌الملل بینجامد. این هدف به واسطه بیداری انسان‌ها و نیروهای مقاومت در برابر فجایع غزه، تا حدودی

محقق شده است. بنابراین این کتاب در درجه اول به همه مروجان انسانیت و سپس به همه علاقه‌مندان کتاب‌های تاریخی و سیاسی پیشنهاد می‌شود.



پیشرو و سرآمد
حوزه

راهبردهای نوین تبلیغ دینی در پرتو منشور
«حوزه پیشرو و سرآمد»



مصاحبه اختصاصی ماهنامه «سفیر امین»
با حجت الاسلام والمسلمین حسین ملانوری

در یک روز دل‌انگیز بهاری، در دفتر حجت الاسلام والمسلمین حسین ملانوری، مدیر محترم مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ، مهمان ایشان بودیم. ایشان با رویی گشاده و خلقی خوش، ما را پذیرفتند و با حوصله به پرسش‌هایمان دربارهٔ منشور حوزه‌های علمیه و چشم‌انداز تبلیغ دینی پاسخ دادند. وی با سابقه‌ای درخشان در حوزه تبلیغ و پژوهش، از چهره‌های شاخص در این عرصه به شمار می‌آید. از ایشان بابت اختصاص وقت ارزشمندشان برای این مصاحبه سپاسگزاریم. این گفت‌وگو تلاشی است برای فهم بهتر الزامات و فرصت‌های تبلیغ دینی در عصر جدید.

سردبیر:

بارها شنیده‌ایم که تاریخ، گاه در یک جمله خلاصه می‌شود و گاه در یک منشور جوانه می‌زند. امروز منشور «حوزه پیشرو و سرآمد» مقام معظم رهبری حفظه الله، پرچم بیداری عالمان و مکتب‌داران این مرزوبوم شده است. استاد گرامی، اجازه دهید این گفت‌وگو را با نگاهی به افق‌های دور آغاز کنیم و از شما که خود صاحب نظر و مدیر فرهنگی طراز هستید، بخواهیم تا اندیشه‌هایتان را صمیمانه با ما در میان بگذارید.

جناب استاد، منشور «حوزه پیشرو و سرآمد» به درستی نقطه عطفی در تاریخ نهاد روحانیت شیعه لقب گرفته است.

❓ شما این منشور را چگونه در بازتعریف هویت حوزه و تعیین جایگاه تبلیغ دین، به مثابه رسالت اصلی و راهبرد کلان، تفسیر می فرمایید؟

📌 حجت الاسلام والمسلمین ملّانوری:

منشور حوزه های علمیه با عنوان «حوزه پیشرو و سرآمد» که متن پیام مقام معظم رهبری حفظه الله به همایش بین المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم است، بی تردید سندی **مسیرگشا و افق ساز** برای همه طلاب و مبلغان است. این منشور، حوزه را از سطح صرفاً یک مرکز تدریس و تدرّس فراتر می برد و آن را به نهادی **علمی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی** با کارکردهای متنوع و تمدن ساز بدل می کند. تبلیغ دین در این هندسه نوین نه یک فعالیت حاشیه ای، که جوهره و روح و مایه حیات حوزه است. در پرتو این منشور، مأموریت تبلیغ به مرکز ثقل مسئولیت های حوزه ارتقا می یابد و به عنوان **خط مقدم جبهه سازی فرهنگی و اجتماعی** در جامعه اسلامی شناخته می شود.

❓ اگر بخواهیم تبلیغ دینی را نه فقط یک وظیفه بلکه یک هنر بدانیم، به نظر شما چگونه می‌توان «بلاغ مبین» را در فضای امروز جامعه به بهترین شکل به نمایش گذاشت؟

📢 تبلیغ دینی اگر صرفاً انتقال پیام باشد، شاید در حد اطلاع‌رسانی باقی بماند؛ اما وقتی آن را **هنر** بدانیم، باید با شناخت دقیق مخاطب و با زبان روز و ابزارهای نوین، پیام دین را طوری بیان کنیم که هم شنیده شود و هم اثر بگذارد. امروز که جوانان ما با حجم عظیمی از شبهات روبه‌رو هستند، اگر مبلغ بخواهد «**بلاغ مبین**» را محقق کند، باید هم‌زمان هم **به‌روز** باشد و هم **عمیق**. استفاده از رسانه‌های نوین، تولید محتوای خلاقانه و حتی بهره‌گیری از طنز و روایت‌های جذاب می‌تواند راهگشا باشد. مهم‌تر از همه، مبلغ باید خودش **الگوی عملی** آنچه می‌گوید باشد؛ یعنی وقتی از اخلاق و معنویت سخن می‌گوید، در رفتار و منش او هم دیده شود.



❓ حوزه چطور می تواند نسل جدیدی از مبلغان را برای پاسخ به مسائل

و چالش های تازه تربیت کند؟

🗨 امروز دیگر فقط تسلط مبلغ به متون دینی، کافی و راهگشا نیست.

البته این، کار بسیار بزرگی است و بدون آن، تبلیغ ناقص و گاهی ضدتبلیغ خواهد بود؛ اما علاوه بر این، باید مهارت **گفت و گو** و **شنیدن** فعال و حتی مدیریت **هیجانات** را هم بلد باشد. حوزه باید آموزش هایی فراتر از درس های سنتی ارائه دهد: کارگاه های مناظره، دوره های رسانه و حتی مهارت های روان شناسی، و...

تهذیب نفس هم مهم است. مبلغی که خودش اهل عمل نباشد، حرفش بر دل نمی نشیند. منشور حوزه های علمیه تأکید دارد که تربیت مبلّغ باید ترکیبی از **علم** و **اخلاق** و **مهارت** باشد.

❓ در بحث تمدن نوین اسلامی، حوزه چه نقشی می تواند داشته

باشد؟ آیا تبلیغ فقط باید به دفاع محدود شود یا می تواند سازنده و

الهام بخش باشد؟

🗨 چنان که مقام معظم رهبری حفظه الله فرموده اند، تبلیغ باید فراتر از دفاع

باشد. باید سازنده و الهام بخش و حتی **تهاجمی** باشد! حوزه باید به جای صرفاً پاسخ دادن به شبهات، خودش تولیدکننده گفتمان

و سبک زندگی باشد؛ مثلاً در موضوعات محیط زیست یا خانواده یا عدالت اجتماعی می‌توانیم الگوهای اسلامی را با زبان روز و مثال‌های عینی به جامعه معرفی کنیم. منشور حوزه هم می‌گوید حوزه باید قلۀ نوآوری تمدنی باشد؛ یعنی نه تنها از تحولات عقب نباشد، بلکه پیش‌تاز و جریان‌ساز باشد.

❓ اگر بخواهید به یک طلبۀ جوان توصیه کنید که چطور در عصر فناوری‌های نوین تبلیغ کند، چه می‌فرمایید؟

🗨 اولین توصیه‌ام این است که از فناوری نترسد! فضای مجازی و رسانه‌های نوین، نه تهدید بلکه فرصت‌اند. طلبه باید یاد بگیرد چطور پیامش را در قالب‌های جدید مانند ویدئو، پادپخش (پادکست)، اطلاع‌نگاشت (اینفوگرافیک) و... منتقل سازد. باید زبان نسل جدید را بشناسد و از قالب‌های کوتاه و جذاب استفاده کند. البته گذراندن آموزش‌های تخصصی مثل مدیریت شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوای چندرسانه‌ای هم ضروری است.



❓ با این حجم از شبهات و تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی،

حوزه چه راهبردی باید داشته باشد؟

🗨️ راهبرد ما باید ترکیبی از **رصد** هوشمندان و **پاسخ** فعال باشد. باید یک مرکز قوی و منسجم و جامع داشته باشیم که شبهات و جریان های تخریبی را شناسایی و تحلیل کند و سپس پاسخ ها را نه فقط به شکل مقاله بلکه با زبان تصویر و ویدئو و حتی طنز تولید کنیم. از طرف دیگر، باید مبلغان را برای حضور **مؤثر** و **اخلاق مدار** در فضای مجازی تربیت کنیم. ما نباید فضای تبلیغ را بی رقیب فرض کنیم؛ باید همیشه آماده و هشیار باشیم.

❓ به نظر شما تبلیغ دینی در عصر پسا اینترنتی چه ویژگی هایی باید

داشته باشد و حوزه چه تمهیداتی باید بیندیشد؟

🗨️ در عصر پسا اینترنت، تبلیغ باید **تعاملی** و **چند رسانه ای** و **داده محور** باشد. مبلغ باید بتواند با مخاطبش گفت و گو کند، بازخورد بگیرد و پیامش را بر اساس نیاز مخاطبش تنظیم کند. آموزش مهارت های دیجیتال، تحلیل داده و حتی سواد رسانه ای باید در برنامه درسی طلاب باشد. همچنین باید **آزمایشگاه های تبلیغی ای** داشته باشیم تا

طلاب بتوانند موقعیت‌های (سناریوهای) واقعی را تمرین کنند. به نظرم آینده تبلیغ دینی در ترکیب خلاقیت و فناوری است.

❓ نقش تبلیغ در تبیین نظامات اجتماعی اسلامی چیست؟ آیا صرفاً انتقال احکام کافی است؟

📌 تبلیغ امروز باید فراتر از انتقال احکام فردی، محدود و ساده باشد. باید بتوانیم **نظام فکری اسلام** را در حوزه‌هایی مثل خانواده، عدالت، محیط زیست و روابط اجتماعی، به زبان ساده و کاربردی توضیح دهیم. مردم باید حس کنند که دین برای همه ابعاد زندگی شان برنامه دارد. منشور حوزه هم تأکید می‌کند که حوزه باید مرکز تولید و تبیین **اندیشه اسلامی** در نظامات اجتماعی باشد؛ یعنی هم نظریه بدهد و هم راهکار عملی.



❓ برای تقویت فرهنگ و سبک زندگی اسلامی، چه ابتکاراتی می‌توان

در تبلیغ به کار گرفت؟

📌 با استفاده از **الگوهای عینی**، داستان‌های واقعی و هنر و رسانه می‌توان در تبلیغ مؤثر بود؛ مثلاً تولید مستندهایی از زندگی علمای اخلاق یا راه‌اندازی پویش‌های (کمپین‌های) مجازی دربارهٔ مصرف‌گرایی یا اخلاق کسب‌وکار، همکاری با واسطه‌های پیام و افراد مذهبی تأثیرگذار بر تصمیم و رفتار دیگران و استفاده از زبان طنز و روایت، می‌تواند پیام سبک زندگی اسلامی را جذاب و قابل لمس کند. منشور حوزه هم می‌گوید باید دانستنی‌های دینی را در قالب بسته‌های متناسب با نیاز **نسل جوان** و **خانواده‌ها** تدوین کنیم.

❓ چطور می‌توان فهمید که تبلیغ دینی واقعاً مؤثر بوده؟ حوزه چه

سازوکاری برای ارزیابی اثربخشی تبلیغ باید داشته باشد؟

📌 ارزیابی تبلیغ باید **علمی** باشد. باید ببینیم محتوای ما چقدر دیده یا شنیده می‌شود، چه بازخوردی می‌گیرد و آیا دانش، رفتار یا نگرش مخاطب تغییر می‌کند یا نه. راه‌اندازی واحدهای تحلیل اطلاعات میدان، نظرسنجی‌های برخط (آنلاین) و حتی بررسی گرایه‌های (ترندهای)

فضای مجازی می تواند به ما کمک کند. برگزاری **جلسات بازخورد** با طلاب و به روزرسانی روش ها بر اساس نتایج، رمز موفقیت است.

❓ حوزه برای هم افزایی با نهادهای فرهنگی و

رسانه ای چه پیشنهادهایی دارد؟

📞 به نظرم باید شبکه های همکاری

راه بیندازیم، از صداوسیما تا سازمان ها و نهادهای دولتی و مردم نهاد و حتی شرکت های نوپا و نوآفرین فرهنگی.

تولید محتوای مشترک، تبادل تجربه و استفاده از ظرفیت های مردمی مثل کانون های مساجد، می تواند هم افزایی ایجاد کند. منشور حوزه هم بر **تعامل با رسانه ها و استفاده از ابزارهای فنی روز** تأکید دارد. ما باید یاد بگیریم در طرح ها و برنامه های بزرگ با هم کار کنیم.

❓ اگر بخواهید به مبلغان جوان توصیه کنید که با شبهات و تبلیغات

ضددینی چگونه مواجه شوند، چه می فرمایید؟

📞 اول باید خوب گوش کنند و دقیق بفهمند دغدغه مخاطب چیست. بعد

پاسخ را ساده و مستدل و با زبان خود مخاطب بدهند. گاهی حتی لازم است



با مثال ملموس، فضا را **دوستانه** کنند. منشور حوزه تأکید دارد که باید هم دفاع کنیم و هم حمله؛ یعنی هم **پاسخ** بدهیم و هم مبانی فکری دشمن را **نقد** کنیم. مبلغ باید اهل مطالعه و به روز باشد و از گفت و گو نترسد.

❓ **تعلیم و تهذیب چطور می تواند کیفیت تبلیغ را بالا ببرد؟**

🗨️ **تعلیم باید کاربردی و بر اساس نیاز روز** باشد؛ مثلاً آموزش مهارت های ارتباطی، مدیریت بحران یا گفت و گوی بین دینی. حتی علوم نظری و کلامی مثل مبانی اعتقادی و فلسفه را هم می توان به گونه ای تنظیم و تدریس کرد که متناسب با نیاز مخاطب باشد. در تهذیب هم باید به گونه ای تربیت کنیم که مبلغ خودش **اهل عمل و رفتار دینی** باشد.

❓ **به نظر شما هنرهای دیجیتال و رسانه های نوین چه نقشی در تبلیغ آینده حوزه دارند؟**

🗨️ **نقش هنرهای دیجیتال و رسانه های نوین** در آینده تبلیغ بسیار کلیدی است. به عنوان مثال، راه اندازی مکان های تولید محتوا، آموزش گرافیک و فیلم سازی و تولید واقعیت مجازی از اماکن مقدس، می تواند تبلیغ را جذاب و فراگیر کند. ما باید از ظرفیت **هنرمندان متعهد** و **ابزارهای نوین** برای انتقال پیام دین بهره ببریم.

❓ حوزه برای فعال سازی مبلغان در فضای مجازی، چه برنامه هایی

دارد؟



طراحی نظام و طرح

جامع تبلیغ مجازی،

ایجاد رشته تخصصی

دین و فضای مجازی

با گرایش های فلسفه

فضای مجازی، هوش

مصنوعی و حکمرانی فضای مجازی و... و نیز رشته تخصصی هنر

و رسانه که یکی از گرایش های تربیت مبلغ فضای مجازی است،

ازجمله کارهایی است که حوزه تاکنون انجام داده و برخی از متعلمین

این رشته ها در حال فارغ التحصیل شدن هستند. همچنین راه اندازی

مراکز تبلیغ مجازی در سطح کشور، که یکی از مراکز فاخر و تأثیرگذار آن

در مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ مستقر است، ازجمله اقدامات مؤثر

حوزه برای فعال سازی طلاب و فضایی خود در عرصه تبلیغ مجازی

محسوب می شود.

❓ چطور می‌توان هویت انقلابی و روحیه مجاهدت را در تبلیغ حوزه

حفظ کرد؟



📌 تأکید بر اخلاص در عمل

و مجاهدت فرهنگی، معرفی
الگوهای موفق و جهادی مانند
مبلغان شهید، اعزام طلاب

به مناطق محروم و درگیر کردن آن‌ها با زندگی سخت انسان‌های
مستضعف، ایجاد تشکّل‌های جهادی و تقدیر از مبلغان جهادی
فعال، هم **روحیه مجاهدت** را تقویت می‌کند و هم **هویت انقلابی** رازنده
نگه می‌دارد.

❓ حوزه چگونه می‌تواند پاسخ‌گوی مسائل نوپدید اجتماعی و فرهنگی

باشد؟

📌 تشکیل **کمیته‌ها و گروه‌های تخصصی** برای شناسایی و یافتن

پاسخ مناسب برای مسائل نوپدید، همکاری با پژوهشگران مرتبط
و حمایت از آن‌ها و انتشار گسترده نظرات علمای فرهیخته و فتوای
به‌روز مراجع تقلید در قالب‌های نوین، راهکارهای مناسبی هستند.

در حوزه، ستادهای راهبری برای موضوعات مختلف راه اندازی شده و نیز **دروس فقه معاصر** شکل گرفته که تداوم و تقویت آنها، راهکارهای مناسبی برای حل این مسئله است. همچنین تقویت مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه و هماهنگ‌سازی مراکز پژوهشی و پاسخ‌گویی می‌تواند تأثیرات خوبی داشته باشد.

❓ منشور، حوزه را مرکز نوآوری تمدنی و پیام جهانی اسلام می‌داند. در عرصه بین‌المللی، حوزه برای تبلیغ دین و فرهنگ اسلامی چه اقداماتی باید انجام دهد؟

🗨 ترجمه آثار فاخر حوزوی به زبان‌های مختلف، اعزام مبلغان زبان‌دان و **راه‌اندازی رسانه‌های بین‌المللی**، از مهم‌ترین اقدامات است. همچنین



برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی و تعامل با اندیشمندان سایر ادیان و مذاهب، می‌تواند پیام‌های مبتنی بر مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را جهانی کند.

❓ اگر بخواهید صادقانه از چالش‌ها و موانع تحقق اهداف تبلیغی

منشور بگوئید، چه می‌گویید و راه حلش چیست؟

بزرگ‌ترین چالش، **مقاومت در برابر تغییر**، و **کمبود نیروی متخصص** در حوزه‌های جدید تبلیغی از جمله هنر و رسانه است. راه حلش آموزش‌های میان‌رشته‌ای و پودمانی، جذب مشارکت مردمی و ایجاد سامانه مدیریت متمرکز پروژه‌های تبلیغی و حمایت مناسب از مبلغان، به‌ویژه مبلغان فعال در زمینه **هنر و رسانه** و **فضای مجازی** است.

❓ از حضور گرم و پاسخ‌های روشن‌گرانه حضرت‌عالی صمیمانه سپاسگزارم.

🗨 من هم از شما و مجموعه ماهنامه «**سفیر امین**» تشکر می‌کنم. امیدوارم این گفت‌وگوها زمینه‌ساز حرکت‌های نو و مؤثر در تبلیغ دین باشد. موفق باشید!



مسابقات



سؤالات پیرامون

پیامبران علیهم السلام

موضوع اصلی: مسابقات و معماها

موضوع فرعی: سؤالات پیرامون پیامبران علیهم السلام

مفاد طب: مبلغان و مربیان دانش آموزی

قالب: مقاله کوتاه

مدت زمان تقریبی مطالعه: ۱۵ دقیقه



مهدی سلیمانی آشتیانی

اشاره

در این شماره، نمونه‌هایی از سؤالات مرتبط با پیامبران علیهم السلام بیان می‌شود و در پایان نیز پاسخ‌ها با کمی توضیح ارائه می‌گردد.

نکته‌ها

- ① سعی کنید برای سؤالات، از قالب **مسابقه** استفاده کنید؛ یعنی کلاس را دو گروه کرده یا چند نفر را انتخاب نمایید؛
- ② متناسب با فضای کلاس و مخاطب، درباره برخی از سؤالات حتماً **توضیحات لازم** و گریزهای مفید زده شود. مثلاً وقتی سؤال می‌کنید: عمر کدام پیامبر از همه پیامبران طولانی‌تر است؟ شاید جواب داده شود: حضرت ادریس، خضر یا عیسی علیهم السلام؛ ولی شما می‌توانید توضیحات تکمیلی را ارائه نموده، گریزی به عمر امام زمان علیه السلام بزنید تا در ناخودآگاه مخاطبین درباره طول عمر امام زمان علیه السلام شبهه ایجاد نشود.

معمای پیامبران

مخاطب: تمامی مقاطع تحصیلی؛

ابزار مورد نیاز: کاغذ، خودکار یا مداد، ویدئو پروژکتور و... (البته بدون این ابزار نیز قابل اجراست؛ اما برای ایجاد جذابیت و تنوع بیشتر می توان از ابزار استفاده کرد)؛

فضای مورد نیاز: فضایی خاصی لازم ندارد؛

هدف: تقویت اطلاعات دانش آموزان درباره پیامبران الهی (علیهم السلام)؛

چالش: ممکن است بین مسابقه سؤالاتی در ذهن مخاطب ایجاد شود. این یک فرصت برای مربی است تا با پاسخ کوتاه به سؤالات، پیام های جدیدی را به آنان برساند؛ اما چالشی که ایجاد می شود این است که گاه خود مربی ممکن است جواب آن سؤال را نداند. در اینجا باید جواب را به بعد از کلاس موکول کند تا بتواند در فرصتی مناسب جواب درست را یافته، به مخاطب بدهد.



روش اجرا

شناخت مخاطبان از پیامبران الهی (علیهم السلام) و درس گرفتن از زندگی آنان، بر همگان لازم است. پیامبران یا انبیاء (علیهم السلام) افرادی هستند که خدا از طریق آنان انسان را به سوی خود دعوت می‌کند و از راه وحی با ایشان در ارتباط است. از ویژگی‌های پیامبران می‌توان به: عصمت، معجزه و دریافت وحی اشاره کرد. برخی از پیامبران بر برخی دیگر برتری داشتند که خداوند در قرآن^۱ بدان اشاره کرده است.

سوالات آسان

۱. همسر کدام پیامبر پدر و مادر نداشت؟ (حضرت آدم علی‌ه السلام)
۲. کدام پیامبر خیاطی می‌کرد؟^۲ (حضرت ادریس علی‌ه السلام)
۳. کدام پیامبر نجار نیز بود؟^۳ (حضرت نوح علی‌ه السلام)
۴. کدام پیامبر شمشیر و زره را ساخت؟ (حضرت داوود علی‌ه السلام)
۵. دو پیامبری که کعبه را ساختند؟^۴ (حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام).

۱. اسراء/ ۵۵: ﴿وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۶۹.

۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ترجمه همدانی، ج ۱۰، ص ۳۶۴.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۶۰.

۶. کدام پیامبر سرپرستی حضرت مریم را بعد از فوت پدرش پذیرفت؟
(حضرت زکریا علیه السلام)

۷. حضرت موسی علیه السلام در کدام کوه مناجات می کرد؟^۲ (کوه طور سینا)

۸. سرگذشت حضرت نوح علیه السلام در کدام سوره بیان شده است؟ (سوره نوح)

۹. کدام پیامبران پدر نداشتند؟^۳ (حضرت آدم و عیسی علیهما السلام)

۱۰. کدام پیامبر مدتی در شکم ماهی زندگی کرد؟^۴ (حضرت یونس علیه السلام)

۱۱. کدام پیامبر نخستین شخصی بود که خط نوشت

و لباس دوخت؟^۵ (حضرت ادریس علیه السلام)

۱۲. کدام پیامبر مردگان را زنده می کرد؟^۶ (حضرت عیسی علیه السلام و حزقیل نبی)

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۴۳۶ (ذیل آیه ۳۷ آل عمران).

۲. طه/۱۲.

۳. آل عمران/۵۹.

۴. صافات/۱۴۳-۱۴۴.

۵. ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۳، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۶. روایت امام رضا علیه السلام، منبع: کتاب «ترجمه و شرح چند احتجاج امام رضا علیه السلام»، انتشارات بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام.

۱۳. کدام پیامبر در کودکی در گهواره سخن گفت؟^۱ (حضرت عیسی علیه السلام)

۱۴. کدام پیامبر ۱۲ فرزند داشت؟^۲ (حضرت یعقوب علیه السلام)

۱۵. جنازه کدام پیامبر تکیه بر عصا به مدت یکسال در پشت بام بیت

المقدس باقی ماند؟^۳ (حضرت سلیمان علیه السلام)

۱۶. پیامبری که با مورچه مناظره و مذاکره کرد؟^۴ (حضرت سلیمان علیه السلام)

۱۷. پیامبری که آتش به او آسیبی نرساند؟^۵ (حضرت ابراهیم علیه السلام)

سؤالات متوسط ؟

۱. پیامبرانی که در کنار قبر حضرت علی علیه السلام مدفون

هستند؟^۶ (حضرت آدم و نوح علیهما السلام)

۲. نام اصلی کدام یک از پیامبران «عبدالغفار» است؟^۷

(حضرت نوح علیه السلام)

۱. مریم/۲۹.

۲. دروگر، یوسف، خلاصه تاریخ انبیاء، ص ۵۴.

۳. کافی، ج ۸، ص ۱۴۴، ح ۱۱۴؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۲۶، ح ۴۰.

۴. اقتباس از سوره نمل.

۵. انبیاء/۶۹.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۷۱؛ مفاتیح الجنان، ص ۳۴۴.

۷. تیان.

۳. پیامبری که هر دو فرزند او پیامبر بودند؟

(حضرت ابراهیم علیه السلام)

۴. اولین پیامبر اولوالعزم چه کسی بود؟ (حضرت نوح علیه السلام)

۵. کدام پیامبر به «خلیل الله» معروف است؟ (حضرت ابراهیم علیه السلام)

۶. کدام پیامبر اولوالعزم زن نداشت؟ (حضرت عیسی علیه السلام)

۷. لقب کدام پیامبر «ذبیح الله» است؟ (حضرت

اسماعیل علیه السلام)

۸. پیامبری که قوش به بهانه گیری معروف

هستند؟ (حضرت موسی علیه السلام با قوم بنی اسرائیل)

۹. فرزندان کدام پیامبر به «بنی اسرائیل»

معروف هستند؟ (حضرت یعقوب علیه السلام)

۱۰. کدام پیامبر در پیری صاحب فرزند

۱. هود/۷۱؛ بقره/۱۲۷.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، ج ۲، ص ۲۱۳.

۳. مغنیه، تفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۴۸.

۴. آل عمران/۳۹.

۵. تفسیر «مجمع البیان».

۶. فرهنگ قرآن، ۱۳۸۵ش، ج ۶، ص ۲۹۴.

شد؟^۱ (حضرت زکریا علیه السلام)

۱۱. پیامبری که مادرش خادم مسجد بود؟^۲ (حضرت عیسی علیه السلام)

۱۲. کدام پیامبر زره می بافت؟^۳ (حضرت داوود علیه السلام)

؟ سوالات سخت

۱. کدام پیامبران با هم پسر خاله بودند؟ (حضرت عیسی و یحیی علیهما السلام)

۲. کدام پیامبر به خاطر حمایت از عفت و حجاب به

شهادت رسید؟^۴ (حضرت یحیی علیه السلام)

۳. کدام پیامبر در گفتن نامش دندان‌ها از هم باز

نمی‌شود؟^۵ (حضرت جرجیس علیه السلام)

۴. «انجیل» کتاب حضرت عیسی علیه السلام چند بار در

قرآن ذکر شده است؟^۶ (۱۲ بار)

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲. درس‌هایی از قرآن، ج ۱، ص ۲۳۲۶.

۳. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۸۷۹، ذیل آیه ۸۰ انبیاء بحث آمده است.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۵. تمرین عملی کن.

۶. الدر المنثور، سیوطی، ۱۷۷/۶-۱۷۸.

۵. بشارت آمدن پیامبر اکرم ﷺ توسط حضرت عیسیٰ ﷺ در کدام سوره بیان شده است؟^۱ (سوره صف)

۶. خداوند به کدام پیامبر علم نجوم و حساب و هیئت آموخت؟^۲
(حضرت ادریس علیہ السلام)

۷. نام کدام پیامبر بیش تر از دیگر پیامبران در قرآن ذکر شده است؟
چند بار؟^۳ (حضرت موسیٰ علیہ السلام، ۱۳۶ بار)

۸. در سوره انبیاء نام چند نفر از پیامبران ذکر شده است؟^۴ (۱۶ نفر)

۹. شیخ الانبیاء لقب کیست؟^۵ (حضرت نوح علیہ السلام).

۱۰. پیامبرانی که نامشان با حرف «الف» شروع می شود، کدام اند؟ (ابراهیم، الیاس، ایوب، اسحق، ادریس، اسماعیل و آدم علیهم السلام)

۱. صف/۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۷۷.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، قصه های قرآن، ص ۲۲۱.

۴. محققان، «سوره انبیاء»، ص ۶۹۱.

۵. امالی صدوق، ص ۲۸۷.

۱۱. در زمان کدام پیامبر علم پزشکی و طبابت رواج داشت؟^۱ (حضرت

عیسی علیه السلام)

۱۲. پیامبرانی که با هم نسبت برادری داشتند، کدام اند؟ (اسحاق و

اسماعیل علیه السلام و موسی و هارون علیه السلام)

۱۳. اولین پیامبری که «بسم الله الرحمن الرحيم» نوشت؟^۲ (حضرت

سلیمان علیه السلام)

۱۴. پیامبری که تمام امتش ناموس او بود؟

(حضرت آدم علیه السلام)

۱۵. کدام پیامبران پدر و پسر بودند؟

(ابراهیم و اسماعیل، ابراهیم و اسحاق،

یعقوب و یوسف، داود و سلیمان، زکریا و

یحیی علیه السلام)

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۰.

۲. نمل/ ۲۹.

درسنامه عُرْضَةُ رِفَاقَتِ!

موضوع اصلی: محبت اهل بیت (ع)

موضوع فرعی: رفاقت با امام حسین (ع)

مفاد: دانش آموزان متوسطه

قالب: درسنامه

مدت زمان تقریبی مطالعه: ۱۰ دقیقه



علی آب انباری

ارتباط عاطفی

به نام خداوندی که یادش می‌کند آرام قلب بندگان را.

به نام خدای امام حسین (ع)!

❦ باز این چه شورش است که در خَلق عالم است

❦ باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

❦ گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست

❦ این رستخیز عام که نامش «محرم» است

❦ در بارگاه قدس که جای ملال نیست

❦ سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

❦ جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند

❦ گویا عزای اشرف اولاد آدم است^۱

تسلیت عرض می‌کنم فرارسیدن ماه عزای سید و سالار شهیدان،
 ابا عبد الله الحسین علیه السلام و ۷۲ تن از یاران باوفای حضرت را خدمت همه
 شما عزاداران حسینی.

خدا را شکر می‌کنیم که دوباره به ما عمری داد و ماه محرم را باز دیدیم؛
 خدا را شاکریم که دوباره توفیق شد سیاهی‌های ماه عزا را ببینیم؛
 ممنون خداییم که دوباره به ما روزی داد تا در جلسات **سید الشهداء** علیه السلام



بنشینیم و از مصیبت‌های امام صحبت کنیم؛
 سپاسگزار خدایی هستیم که به ما اجازه
 داد تا برای غریب عالم، لباس سیاه به
 تن کنیم و امیدواریم که صاحب این
 لباس سیاه، دست همه ما را در قیامت
 بگیرد، ان شاء الله.

هرکسی عاشق امام حسین علیه السلام است و دوست دارد که فردای قیامت
 هم نشین و همسایه حضرت باشد، بلند صلوات بفرستد:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

شروع

وقتی چشم و گوش سر را ببندیم و با دل به محرم نگاه کنیم، صدایی را می شنویم از ۱۴۰۰ سال پیش؛

ندایی که وجود نازنین ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)، ۱۴۰۰ سال پیش در عالم طنین انداز کردند؛

ندای نامه ای که امام (علیه السلام) برای رفیق قدیمی خود، حبیب بن مظاهر، نوشتند؛

ندای «مِنَ الْغَرِيبِ إِلَى الْحَبِيبِ»؛ نامه ای از غریب کربلا، حسین بن

علی (علیه السلام)، برای رفیق و دوست قدیمی، حبیب بن مظاهر اسدی.

این نامه هنوز هم در عالم وجود دارد و به گوش همه می رسد.

دوستان و رفقای امام حسینی من، وجود نازنین امام حسین (علیه السلام) ابتدای محرم

برای تمام دوستان و رفیقانش نامه می نویسد که «مِنَ الْغَرِيبِ إِلَى الْحَبِيبِ».

امام (علیه السلام) از قبل به دوستانش نامه داده است؛ دقیقاً مثل همان نامه ای که

برای حبیب بن مظاهر فرستاد و ایشان را دعوت کرد به وادی عشق.

شاید باورتان نشود؛ اما حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) برای من و شما هم

نامه نوشته! همان طور که امام (علیه السلام) ۱۴۰۰ سال پیش وقتی می خواستند

حرکت کنند به سمت عراق، به رفقاییش نامه نوشت، برای شما هم نامه

نوشته؛ زیرا شما هم رفیق و دوست امام (علیه السلام) هستید.

ارائه محتوا

اگر روز اول محرم شما آمده‌اید در مجلس سید الشهدا علیه السلام نشسته‌اید، مطمئن باشید که حضرت برایتان نامه فرستاده! مطمئن باشید که دعوت شده‌اید.

خوشا به حال شما عزیزانی که خود امام حسین علیه السلام برایتان دعوت نامه فرستاده! عده‌ای هستند که روزهای آخر، مثلاً هفتم یا هشتم محرم، به جلسات روضه و عزاداری می‌آیند. کسانی نیز هستند که اصلاً حضرت دعوتشان نمی‌کند تا پایشان را در این جلسات بگذارند. اما ما باید شاکر خدا باشیم که اجازه ورود به این مجالس را داریم.

کسی که روز اول محرم پا به مجلس امام حسین علیه السلام می‌گذارد، حتماً با نامه امام علیه السلام آمده. شاید هم با نامه ویژه. همین دعوت شدن ما در ابتدای محرم در هیئت، یعنی امام علیه السلام به من و تو هم نامه نوشته: «مِنْ الغریبِ إِلَى الحَبِیبِ».



شادی دل امام حسین علیه السلام بلند صلوات بفرستید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ادامه ارائه محتوا

عرضه رفافت

صحبت از رفیق و رفیق بازی شد! جالب است بدانید که در این عالم و در این زمانه، وقتی می خواهیم زندگی کنیم، مجبوریم به داشتن رفیق. در زندگی اجتماعی اگر **رفیق** نداشته باشیم، **تنها** خواهیم بود. الآن نگاه کنید اگر نتوانید بین هم کلاسی هایتان دوست و رفیق جذب کنید، شما رایک آدم بی عرضه و بدون مهارت و تنها خواهند شناخت!

روایتی هست فوق العاده زیبا و البته مرتبط با بحث ما. وجود نازنین امیر بیان و کلام حضرت علی علیه السلام در حکمتی از کتاب شریف **نهج البلاغه** می فرمایند: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ؛ ناتوان ترین و ضعیف ترین آدم ها کسی است که از یافتن دوست ناتوان باشد.» یعنی اگر کسی نمی تواند دوست پیدا کند، قطعاً او ناتوان و عاجز به حساب

می آید. در ادامه این روایت حضرت می فرمایند: «وَأَعْجُزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ؛ و ناتوان تر و ضعیف تر از او کسی است که دوستانی را هم که به دست آورده، از دست بدهد!»

ما انسان ها در اجتماع زندگی می کنیم و در **زندگی اجتماعی** مجبوریم و ناچاریم که دوست و رفیق داشته باشیم. اصلاً نمی توانیم بدون رفیق حرکت کنیم. اصلاً امکان ندارد بدون رفیق بتوانیم سیر کنیم. زندگی اجتماعی یعنی داشتن رفیق، یعنی داشتن دوست، یعنی داشتن هم مسیر و همراه.

پس باید رفیق داشته باشیم و باید بتوانیم رفاقت کنیم و باید بتوانیم رفقایمان را حفظ کنیم.

چاقوی دولبه

اما همین ابتدای کار نکته ای را باید گوشزد کنم. شما باید توجه ویژه ای داشته باشید که رفیق یک چاقوی دولبه است: بعضی رفیق ها می توانند

شمارا به اوج قلّه برساند و برخی هم می‌توانند شمارا به قعر چاه بکشانند.
با یک رفیق می‌توان به موفقیت دست یافت و با دیگری شکست خورد.
با رفیقی می‌توان خوشبخت شد و با رفیق دیگر بدبخت. با یک رفیق
می‌توان بهشتی شد و با رفیق دیگر خدای نکرده جهنمی.
بله دوستان من، رفیق مانند چاقوی دولبه است. اگر حواستان را جمع
نکنید، ممکن است شمارا به بیراهه بکشاند و حتی خدای ناکرده از
دین منحرفتان کند.

من شعری را می‌خوانم و شما بفرمایید که منظور شاعر دقیقاً چه چیزی
است:

تا توانی می‌گریز از یار بد ❖ یارِ بد بدتر بود از مارِ بد
مارِ بد تنها تو را بر جان زند ❖ یارِ بد بر جان و بر ایمان زند

لطفاً دست بلند کنید و منظور شاعر را بفرمایید.^۱
دوستان من، این شعر دنیایی از حرف است! جالب است که می‌گوید:
زندگی کردن با مارِ بد، یعنی مارِ سمّی، بهتر و سودمندتر است از زندگی

۱. برای مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شود و از کسانی که
پاسخ درست می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

کردن با دوست بد و نارفیق! مخصوصاً رفیق **کذاب** و **دروغگو**! چرا که مار فقط به جسم و جان انسان آسیب می‌رساند؛ اما این‌گونه دوستی، هم به جسم و جان ما ضرر می‌رساند و هم به **دین** و **ایمان** ما!

نقل می‌کنند که در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ دو نفر از مشرکان به نام‌های «عقبه» و «أَبی»، با هم دوست و رفیق بودند. عقبه آدم **سَخاوتمند** و **بلند نظری** بود و هر زمان که از مسافرت برمی‌گشت، سفره مفصلی ترتیب می‌داد و دوستان و بستگان را به مهمانی دعوت می‌کرد و با اینکه از مشرکان بود، خیلی دوست داشت پیامبر مهربان اسلام ﷺ را هم مهمان خود کند.

در یکی از مهمانی‌ها سفره بزرگی ترتیب داد و جمعی از بزرگان، مخصوصاً **پیامبر گرامی اسلام ﷺ**، را نیز دعوت کرد. همه آمده بودند و کنار سفره غذا بودند. پیامبر ﷺ نیز وارد خانه شدند و کنار سفره نشستند؛ اما اصلاً از غذا نخوردند و به عقبه فرمودند: من از غذای تو نمی‌خورم مگر اینکه به یکتایی خداوند و رسالت من پیامبر، گواهی بدهی. عقبه نیز چون پیامبر مهربانی‌ها را خیلی دوست داشت، به یکتایی خدا و نبوت پیامبر ﷺ گواهی داد و مسلمان شد.

این خبر وقتی به گوش دوست عقبه، یعنی اَبی رسید، پیش عقبه آمد و شروع کرد به **اعتراض کردن** و حتی گفت تو از مسیر حق منحرف شده‌ای! عقبه گفت: من منحرف نشده‌ام؛ اما شرم داشتم مردی سر سفره غذای من بنشیند و بدون اینکه غذایی بخورد برخیزد.

اَبی گفت: از تو راضی و خشنود نمی‌شوم مگر اینکه مقابل این شخص بایستی و به او توهین کنی! سرانجام عقبه فریب **دوست ناباب** خود را خورد و از اسلام خارج شد! بدتر از همه اینکه، در جنگ بدر در صف کافران، مقابل پیامبر مهربانی‌ها ایستاد و کشته شد. اَبی نیز سال بعد در **جنگ احد** به هلاکت رسید!

بعد از این جریان، خدای متعال آیات ۲۷ تا ۲۹ **سوره فرقان** را نازل کرد و وضع بد عقبه در روز قیامت را به خاطر دوستی نامناسب بیان کرد و به همه مسلمانان هشدار داد که **افراد منحرف** را برای دوستی و رفاقت انتخاب نکنند. خداوند در آیه ۲۸ این سوره می‌فرماید: او فردای قیامت



خواهد گفت: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛ «ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود انتخاب نکرده بودم!»
حالا می فهمیم که چقدر زیبا گفته اند:

تا توانی می گریز از یار بد ❖ یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند ❖ یار بد بر جان و بر ایمان زند

دوست و رفیق ناب، تو را به بهشت می کشاند و رفیق ناباب، به قعر جهنم.
اینجاست که تأثیر دوست در آینده انسان و حتی عاقبت به خیری یا عاقبت به شری او معلوم می شود. این همان معنای چاقوی دولبه ای است که از آن صحبت کردیم و باید مراقب آن باشیم.

رفیق باز

اما رفقای عزیزم، با همه این توصیفات که عرض کردیم، به نظر من در این دنیا ما باید رفیق باز باشیم! اصلاً دین ما دین رفیق بازی است. اما حواسمان را نیز باید جمع کنیم که با چه کسی می خواهیم رفاقت کنیم.



اگر به دنبال رفاقت هستید، به این نکته نیز توجه داشته باشید که دوست و رفیق کسی است که **تورا قوی** کند. اگر تورا قوی کرد، رفیق خوبی است؛ وگرنه دوست خوبی نیست. اگر انسان با فردی قوی بگردد، قوی می شود. شما وقتی می خواهید رفاقت کنید، قطعاً یک رفیق ضعیف انتخاب نمی کنید؛ بلکه یک آدم قوی پیدا می کنید و با او دوست می شوید. دوستانِ امام حسینی من، بیایید اهل رفاقت با **امام حسین (علیه السلام)** شویم؛ چرا که امام حسین (علیه السلام) ما را قوی می کند. امام حسین (علیه السلام) چون خودشان قوی هستند، اگر با او دوست شویم، ما نیز قوی خواهیم شد.

یک مثال دیگر برایتان بزنم. به نظر شما **حاج قاسم** آدم قوی ای بود یا نه؟ قطعاً پاسختان مثبت است و هیچ شکی در آن نیست. پس رفاقت با حاج قاسم تورا قوی می کند. خلاصه اینکه، من رفیق می شوم با کسی که مرا قوی کند؛ نه کسی که روز به روز ضعیفم کند.



رفیق حسین علیه السلام!

شرط دوم برای انتخاب رفیق، دوستی با کسی است که رفاقتش همیشه باشد. کسی که یک روز بیاید و یک روز نباشد، به درد من نمی خورد. شاید برایتان سؤال شده باشد که اصلاً مگر ممکن است رفاقتِ دائمی وجود داشته باشد! در جواب این سؤالتان باید عرض کنم که بله. خود خدای متعال در قرآن کریم آیه ۶۷ سوره زخرف می فرماید: ﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾. یعنی در روز قیامت که همه دوستان با همدیگر دشمن می شوند، فقط عده ای هستند که با هم دوست هستند. آن ها **مُتَّقِينَ** و **پرهیزکاران** این دنیا هستند.

به نظر شما امام حسین علیه السلام جزو متقین هستند یا نه؟ آفرین به شما. قطعاً هستند! پس با این نگاه، اگر من با امام حسین علیه السلام رفیق شدم، تا انتهای عالم نه تنها با هم دشمن نمی شویم، بلکه تا قیامت هم کنار او خواهیم بود. اما هرکسی را غیر از



امام حسین علیه السلام به عنوان رفیق و دوست انتخاب کنیم، اگر هم خیلی خوب باشد، نهایتش تا لحظه مرگ کنار ما هست و بعدش دیگر نیست! رفقای امام حسینی من، از امروز اگر کسی از شما درباره دوست و رفیق صمیمی تان پرسید، با افتخار سرتان را بلند کنید و با صدای بلند بگویید: رفیقم حسین علیه السلام است!

هرکسی عاشق رفاقت با امام حسین علیه السلام است بلند بگوید:

یا حسین علیه السلام!

رفاقت تا قیامت

دوستان امام حسینی من، به نظر شما رفاقت با امام حسین علیه السلام تا کجا ادامه دارد؟^۱

ممنون از پاسخ های درستی که دادید: رفاقت با امام حسین علیه السلام تا **قیامت** ادامه دارد. این روایت زیبای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را شاید شنیده باشید که به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می فرمایند: «یا فاطمه! كُلْ عَيْنٍ بِأَكْيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ بَكَتَ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ»^۲؛ فاطمه

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظر متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

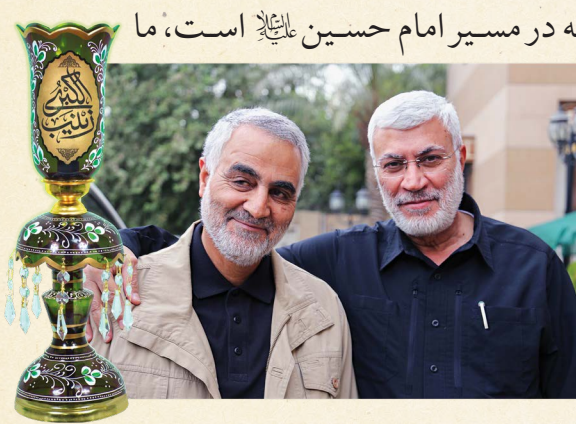
۲. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

جان! همه چشم‌ها در روز قیامت گریان است، جز چشمی که (در دنیا) بر مصیبت‌های حسین علیه السلام گریه کرده باشد.» دقیقاً مثل شماها که روز اول محرم آمده‌اید در جلسه سیدالشهدا علیه السلام نشسته‌اید و برای حضرت اشک می‌ریزید. بله، فردای قیامت تمام افراد چشمانشان گریان است، به جز گریه‌کنان اباعبدالله علیه السلام؛ مثل شما.

روز قیامت وقتی نگاه می‌کنی و می‌بینی همه صورت‌ها غم و اندوه دارند، عده‌ای هستند که صورت‌هایشان بشاش است و در حال شادی‌اند. **شُرور و فرح** در صورت این‌ها کاملاً نمایان است. در روایتی می‌خوانیم: فردای قیامت زیر سایه عرش، مجلسی هست مخصوص اباعبدالله الحسین علیه السلام و عاشقان ایشان. حضرت در آن مجلس میان **گریه‌کنندگان** و **زیارت‌کنندگان** جمع می‌شوند و شروع به صحبت با آنان می‌کنند. در همین حال، فرستاده‌ای از بهشت می‌آید و به آنان می‌گوید که ما مشتاق شما هستیم؛ نزد ما بیایید؛ اما آن‌ها از رفتن امتناع می‌کنند و لذت هم‌نشینی با امام حسین علیه السلام را مقدم می‌دارند.^۱

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «مَا مِنْ عَبْدٍ يُحْشَرُ إِلَّا وَغَيْنَاهُ بَاكِئَةً إِلَّا الْبَاكِينَ عَلَى جَدِّ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ يُحْشَرُ وَغَيْنُهُ قَرِيرَةٌ وَالْبِسَارَةُ تُلْقَاهُ وَالشُّرُورُ بَيْنَ عَلَى وَجْهِهِ وَالْخَلْقُ فِي الْفَرْعِ وَهُمْ آمِنُونَ وَ

پس رفاقت با امام حسین علیه السلام همیشگی است و در قیامت هم ادامه دارد. رفاقت با کسی که در مسیر امام حسین علیه السلام هم هست، بسیار قشنگ و زیباست. دوستان من، اگر به دنبال رفیق هستید، با کسی که در مسیر امام حسین علیه السلام است رفاقت کنید. **حاج قاسم** اگر قوی شد، چون در مسیر امام حسین علیه السلام بود. **سید حسن نصرالله** اگر قوی شد، چون در مسیر امام حسین علیه السلام بود. **ابومهدی المهندس** اگر قوی شد، چون در مسیر امام حسین علیه السلام بود.



رفاقت کردن با کسی که در مسیر امام حسین علیه السلام است، ما را به سوی خوبی‌ها می‌کشانند و باعث عاقبت به خیری ما خواهد شد.

الْخَلْقُ يُعْزَضُونَ وَهُمْ حُدَّاثُ الْخُسَيْنِ عليه السلام تَحْتَ الْعَرْشِ وَفِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سُوءَ يَوْمِ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَأْتُونَ وَيَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَحَدِيثَهُ وَإِنَّ الْخُورَ لَتَنْزِلُ إِلَيْهِمْ أَنَّا قَدْ اسْتَفْتَاكُمْ مَعَ الْوُلَدَانِ الْمُخَلَّدِينَ فَمَا يَرْفَعُونَ رُؤُوسَهُمْ إِلَيْهِمْ لِمَا يَرَوْنَ فِي مَجْلِسِهِمْ مِنَ الشُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ... (کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، ص ۸۱ و ۸۲).

ارائه محتوا

حبیب و مسلم

دو تا رفیق خیلی
قدیمی بودند به
نام‌های «حبیب»



و «مسلم» که به قول امروزی‌ها خیلی با هم **همدل** بودند و **همراه**. دو رفیق قدیمی که واقعاً عاشق امام حسین علیه السلام بودند و جانشان را برای حضرت می‌دادند. این رفاقت آن قدر ادامه پیدا کرد تا زمان پیری آن‌ها رسید. حبیب داستان ما همان حبیب بن مظاهر اسدی است که ابتدای جلسه عرض کردم که امام حسین علیه السلام برایش نامه «**من الغریب إلى الحبيب**» نوشت. وقتی دشمنان مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را در کوفه به شهادت رساندند، به دنبال سایر یاران اباعبدالله علیه السلام مثل **حبیب** و **مسلم بن عوسجه** بودند. به همین خاطر، مسلم بن عوسجه مجبور بود مخفیانه زندگی کند. زمان گذشت تا روزی در کوفه، رفیق قدیمی خود، یعنی حبیب بن مظاهر را دید. حبیب به او گفت: شنیده‌ای اربابمان دارد به **کربلا** می‌رسد؟ بیا برویم و دست دوستی مان را به سوی ارباب دو عالم دراز کنیم - بچه‌ها، رفیق باید این طور باشد: باید هوای رفیق را داشته باشد و او را به سوی خوبی‌ها

بکشاند - حبیب و مسلم با همدیگر راه افتادند به سمت کربلا، اما به صورت پنهانی؛ به طوری که روزها مخفی می شدند و شب ها حرکت می کردند. به هر نحوی بود، خودشان را به کربلا و قافله سیدالشهدا (علیه السلام) رساندند. در روز عاشورا وقتی جنگ شروع شد، مسلم زودتر از حبیب به میدان رفت و بعد از اینکه تعداد زیادی از نفرات دشمن را به هلاکت رساند، دشمنان با نامردی او را دوره کردند و مسلم به زمین افتاد. همین که مسلم به زمین افتاد، دو نفر بالای سرش آمدند: یکی دوست و رفیق قدیمی اش، یعنی حبیب بن مظاهر، و دیگری امام زمانش یعنی وجود نازنین اباعبدالله الحسین (علیه السلام)!

حبیب همراه امام (علیه السلام) بالای سر رفیق قدیمی خود رسید. مسلم بعد از اینکه با امام حسین (علیه السلام) سخنانی گفت، حبیب رو به او کرد و گفت: رفیقم، برایم خیلی سخت است تو را در این حالت ببینم! اگر من چند ساعت دیگر به تو نمی پیوستم،



حتماً از تو می پرسیدم که چه وصیتی داری! ولی چه کنم که دستم کوتاه است. مسلم در همان حالِ آخر عمر و لحظهٔ جان دادن، با اینکه دیگر رمقی در بدنش نبود، چشمانش را آرام باز کرد و اشاره‌ای به سیدالشهدا علیه السلام کرد و به حبیب گفت: «أوصيكم بهذا» یعنی وصیت می‌کنم تو را به این مرد. مسلم در حالی که سرش بر پای حبیب بن مظاهر بود، به او وصیت کرد که تا آخرین نفس از حسین علیه السلام دفاع کند و او را تنها نگذارد!

یعنی رفاقت مسلم و حبیب، تا پای جان در راه امام حسین علیه السلام است. اصلاً لذتِ رفاقت، به بودن در مسیر امام حسین علیه السلام است.

اصلاً رفیق یعنی حسین علیه السلام.

جمع بندی

گفتیم اگر روز اول محرم و جلسهٔ اول را شرکت کردی و آمدی نشستی در مجلس سیدالشهدا علیه السلام، یقین بدان که امام حسین علیه السلام دست رفاقت به سمت تو دراز کرده! چرا که خود حضرت نامه نوشته اند که «من الغریب

إلى الحبيب!» در ادامه، بحث دوستی و رفاقت را مطرح کردیم و در آخر هم عرض کردیم که رفاقت با امام حسین علیه السلام همیشگی است.

تکلیف

برای اینکه حق رفاقت را رعایت کنیم، بیایید از امشب دست یکی از دوستانمان را بگیریم و او را به مجالس روضه سیدالشهدا علیه السلام ببریم.

دعای پایانی

به نیت سه ساله سیدالشهدا علیه السلام سه تا دعا کنیم:

❧ خدایا، به حق امام حسین علیه السلام، دوستان ما را حسینی قرار بده.

❧ بارالها، به حق خانم سه ساله، حضرت رقیه علیه السلام، ما را از یاران و دوستان حضرت در قیامت قرار بده.

❧ چشمان ما را فقط در مجالس اهل بیت، مخصوصاً سیدالشهدا علیه السلام، گریان بگردان.

هرکسی دلش می خواهد که همراه و دوست و یار همیشگی امام حسین علیه السلام باشد، بلند صلوات بفرستد:

اللهم صلِّ على محمدٍ وعلى محمدٍ وعجل فرجه

فیش منبر مکتوب کوتاه

کمک مهربانانه

موضوع اصلی: امر به معروف

موضوع فرعی: تأثیر مهربانی در تسهیل امر به معروف

مقاطب: دانش آموزان متوسطه دوم

قالب: سخنرانی

مدت زمان تقریبی مطالعه: ۱۰ دقیقه



محمدعلی باقری



خطبه

- ❖ به نام خداوند مهر و صفا
- ❖ خداوند پاک و عشق و وفا
- ❖ فدای دل عاشقان رشید
- ❖ فدای همه بندگان شهید
- ❖ فدایی که ما را به عشق آفرید
- ❖ به نور محبت به رنگ امید

دوستان خوبم، سلام.

ایجاد انگیزه با داستان امر به معروف

امروز می خواهیم سخنم را با یک داستان زیبا و تحریک کننده فکر و

اندیشه شروع کنم؛

داستانی با عنوان «کیمیای مهر».

سبیل‌های پریشانی داشت.
 یک کمونیست دوآتشه بود.
 از مدت‌ها پیش در سلول انفرادی حبس بود.
 روزها و شب‌هایش یکنواخت می‌گذشت.
 گاه ساعت‌ها بی حرکت گوشه‌ای می‌نشست و به دیوارها و سقف
 سلول زل می‌زد.
 سکوی سیمانی کوچکی بود مخصوص استراحت و خواب که شب‌ها
 رویش دراز می‌کشید و در تاریکی به فکر فرومی‌رفت.
 بعد از ۱۷ شهریور ۱۳۵۶ زندان حسابی شلوغ شد؛ طوری که تمام
 سلول‌های انفرادی را پر کردند. حتی مسئولین زندان مجبور شدند
 سلول‌های انفرادی را دونفره کنند.
 آن شب روی سکو خواب بود که با صدای ناگهانی باز شدنِ دراز
 خواب پرید.
 پتورا کنار زد و نگاه کرد. مأموران زندان پیرمرد روحانی سیدی را وارد
 اتاق کردند.
 لاغراندام بود. مرد زندانی عمامه را که سر پیرمرد دید، دوباره پتورا به
 خودش پیچید و خیلی زود خوابش برد.

صبح زود، قبل از طلوع آفتاب، حس کرد دستی به آرامی صورتش را نوازش می دهد. چشم باز کرد. پیرمرد بالای سرش بود. از جا بلند شد و با تعجب نگاهش کرد.

آقای عزیز! نمازتان قضا نشود!

مرد با عصبانیت گفت:

من کمونیستم؛ نماز نمی خوانم!

پیرمرد با لحنی آرام گفت:

پس خیلی ببخشید. معذرت می خواهم شما را بد خواب کردم. مرا عفو کنید.

مرد اخم کرد. بی آنکه جوابی بدهد، دوباره دراز کشید. چشمانش را بست. خوابش نبرد. پیرمرد مشغول خواندن نماز صبح شد. صدای نماز و صوت قرآنش، برای مرد زندانی گوش نواز و دل نشین بود. بعد از آن شب ها و روزهای بی پایان که در خاموشی و سکوتی آزاردهنده گذرانده بود، این صدای ملایم و آرام بخش باعث شد به خواب فرو رود.

وقتی بیدار شد، روی سکو نشست. پیرمرد لبخند زنان گفت:

باز هم بابت قضیه صبح که از خواب بیدارتان کردم، معذرت

می خواهم!

چقدر مؤدب و مهربان بود، آن قدر که مرد کمونیست را از بدخلقی صبح زود پشیمان کرد. از روی سکو پایین آمد و گفت:

آقا، دیگر کافی است. چوب کاری نکنید! شما مسن هستید. تشریف بیاورید روی سکو، من پایین می روم.

پیرمرد همان طور که کف سلول نشسته بود پاسخ داد: نه، جای من خوب است. راحت باشید. سابقه شما بیشتر است: زودتر از من زندانی شده اید، سختی بیشتری کشیده اید. حق شماست آنجا بمانید.

پیرمرد را بردند. دل مرد زندانی گرفت. حس و حال غریبی پیدا کرد. به او عادت کرده بود، به صورت مهربان و لبخند گرم پرمحبتش، به حرف های قشنگی که می زد، به صداقت و صمیمیتش. پیرمرد در آن مدت کوتاه یک بار هم رو ترش نکرد و به او که یک کمونیست بود، کم محلی نکرد. برعکس به قدری او را تحویل گرفت و احترامش گذاشت که دست آخر شرمندeh اش کرد. در طول عمرش با چنین شخصیت بزرگواری روبه رو نشده بود. روزی که پیرمرد را بردند، وقتی مأمور زندان ظرف غذایش را آورد، قبل از اینکه برود، از او پرسید:

این پیرمرد سید که بود؟

هم سلولی ات را می گویی؟

بله.

دستغیب! دستغیب شیرازی!

مأمور رفت. مرد به غذایش دست نزد. اشتها نداشت. چهره زیبا و نورانی

پیرمرد از خاطرش محو نمی شد. آرام زیر لب زمزمه کرد:

دستغیب نه؛ آقای دستغیب، آقای دستغیب شیرازی.^۱

افقاع اندیشه از راه توضیح و تبیین با سؤال و پاسخ

می خواهم بحثم را با یک سؤال شروع کنم:

چرا در اسلام امر به معروف و نهی از منکر واجب است و همه خود را

موظف می دانند به اجبار مرا به راه راست هدایت کنند؟! منظورم مثلاً

عوامل گشت ارشاد است که از جوان ها به خاطر پوشش و روابط ایراد

می گیرند و.... البته اگر موضوع امنیت بود، درست؛ ولی اگر من بخواهم

عقیده ام را راحت سر کلاس درس بیان کنم یا آن طور که می خواهم،

زندگی خودم را بسازم، چرا باید با مخالفت مسلمانان مواجه شوم؟!

۱. سربازان خدا؛ داستان هایی از امر به معروف و نهی از منکر، مرتضی عبدالوهابی، انتشارات نور

پاسخ اجمالی

بیشترین توصیه‌ای که درباره امر به معروف و نهی از منکر شده، ناظر به روابط دوستانه‌ای است که میان مؤمنان برای ارتقای معنوی‌شان برقرار است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾؛ «مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند: به نیکی فرمان می‌دهند و از ناشایست باز می‌دارند و نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان برداری می‌کنند. خدا اینان را رحمت خواهد کرد. خدا پیروزمند و حکیم است.»

همان‌گونه که می‌دانید، امر به معروف و نهی از منکر در بیشتر موارد، تنها در حد تذکر دل‌سوزانه است و اجبار فیزیکی در آن راه ندارد. البته این برخورد مهربانانه تا جایی است که کار آن‌ها به امنیت روانی جامعه لطمه‌ای وارد نکند؛ وگرنه طبق قوانین تمام دنیا، با افرادی که نظم عمومی را مختل می‌کنند برخورد می‌شود.

بدیهی است در خصوص پیروان سایر ادیان یا مسلمانانی که به آموزه‌های دینی التزام ندارند، امر به معروف و نهی از منکر که میان افراد باایمان در جریان است، معنای چندانی ندارد؛ اما اگر رفتار آن‌ها در حدی باشد که **نظم عمومی** جامعه اسلامی را به مخاطره افکند، باید با آن برخورد کرد.

البته شاید اشتباهات و کاستی‌هایی در جریان پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر پیش آید که این نباید به منتفی کردن اصل این واجب بینجامد؛ بلکه باید در روش‌ها و راه‌های اجرا، **اصلاحاتی** شود.

تحریک احساس با شعر

هم آمر معروف شو هم داعی خیر
بی شک روش درستکاری این است
غافل نشو از نهی ز منکر زیرا
فرمود خدا که رستگاری این است^۱

۱. امر به معروف در آینه شعر: <https://wiki.imaroorf.ir/index.php>

تحریک احساس با گره با مخاطب

■ یک نکته

کسانی که دلشان برای ناموسشان می سوزد، باید با مهربانی و شخصیت دادن به دیگران امر به معروف و نهی از منکر کنند تا جلوی ویروس گناه و بی تفاوتی را در مملکت خود بگیرند. وقتی بی حجابی زیاد می شود، بی غیرتی و بی تفاوتی هم زیاد می شود و دیگر کسی در مقابل دشمن نمی ایستد و همانند برخی کشورها که دشمن به راحتی کشورشان را تسخیر کرد، دیگر مردان و جوانان در مقابل سلاح های دشمن نمی ایستند و سینه سپر نمی کنند؛ بلکه از جنگ فرار می کنند و شهر و کشور خود را به دشمن می سپارند. در مقابل، کسانی که غیرت دارند و اهل امر به معروف و نهی از منکرند و از جان خودشان و از کتک خوردن و زخمی شدن و کشته شدن نمی ترسند، شهر و کشور خود را رها نمی کنند و نمی گریزند. فرار کردن کار ترسوهاست.

انسان مؤمن شجاع از مرگ نمی ترسد؛ بلکه عاشق شهادت و جان فشانی در راه دوست واقعی یعنی خداست. او با تدبیر و فکر و شجاعت، در مقابل دشمن خدا می ایستد و خدا هم کمکش می کند.

❖ اقناع اندیشه با توضیح و تبیین سیره امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) در پاسداری از اهداف عاشورا هر جا احساس می کردند دشمن می خواهد قیام کربلا را زیر سؤال ببرد و آن حماسه تاریخی را پوچ و باطل جلوه دهد، در مقام دفاع برمی آمد و با پاسخ های کوبنده با نقشه های شیطانی آنان به ستیز برمی خاست. بارزترین نمونه هایش در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه به چشم می خورد: هنگامی که در مجلس ابن زیاد، حضرت زینب کبری (ع) وی را با نطق خویش رسوا کرد، ابن زیاد متوجه امام زین العابدین (ع) شد و پرسید: این جوان کیست؟! گفتند: او علی بن الحسین است. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟! امام چهارم (ع) فرمود: من برادری به نام علی داشتم که مردم او را به شهادت رساندند.

ابن زیاد گفت: چنین نیست؛ خدا او را کشت!

امام سجاد (ع) آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ را قرائت کرد.

ابن زیاد از پاسخ صریح امام خشمگین شد و فریاد زد:
آیا در مقابل من جرئت می‌کنی پاسخ دهی؟! او را برید و گردن بزنید.
حضرت سجاد علیه السلام در ادامه گفت و گو فرمود: «أَبِ الْقَتْلِ تُهَدِّدُنِي يَا ابْنَ
زِيَادٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَكِرَامَتَنَا الشَّهَادَةُ؟! ای پسر زیاد! آیا مرا
به قتل تهدید می‌کنی؟! مگر نمی‌دانی کشته شدن [در راه حق] عادت ما و
شهادت [برای خدا، عزت و] کرامت ماست؟!»

نتیجه‌گیری مؤثر و جمله زیبای پایانی

بی تفاوتی در قبال دیگران خوب نیست! باید با مهربانی و احترام گذاردن
به دیگران، با عشق و صفا و رعایت حقوق شرعی و قانونی شان، آن‌ها را
به سمت خداوند مهربان جذب کنیم تا همگی عاشق خداوند مهربان و
راه او شوند. وظیفه ماست که دست دیگران را هم بگیریم و در این راه با
خوبان عالم هم سفر شویم.

و چه زیبا گفت:

دانی که چرا خدا تو را داده دودست ❀ من معتقدم که اندر آن سَری هست
یک دست به کار خویشتن پردازی ❀ با دستِ دگر ز دیگران گیری دست

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۵،

ص ۱۳۷ و ۱۷۴؛ معالی السبطين، مهدی حائری مازندرانی، ج ۲، ص ۱۷۸.

فیش منبر مکتوب کوتاه

مدال آور نزد خدا

موضوع اصلی: نهی از منکر

موضوع فرعی: جایگاه والای نهی از منکر کننده نزد خدا

مفاد طب: دانش آموزان متوسطه دوم

قالب: سخنرانی

مدت زمان تقریبی مطالعه: ۱۰ دقیقه



محمدعلی باقری



خطبه

بسم الله الرحمن الرحيم

عاشقان را نام الله رافع هر مشکل است
چون خدای مهربان مالک ملک دل است
او به گل ها رنگ و بوی مهربانی داده است
بلبلان باغ را او نغمه گو پرورده است

خدمت دوستان خوبم سلام عرض می کنم.

ایجاد انگیزه با سؤال

امروز با چند سؤال از خدمت شما، بحثم را آغاز می کنم. البته جواب همه آنها یک چیز است.

❓ آیا می دانید از نظر پیامبر اسلام ﷺ چه کسی **جانشین** خدا و پیامبر

در روی زمین است؟

❓ آیا می دانید از نظر پیامبر اسلام ﷺ چه گروهی هستند که نه

پیامبرند و نه شهید، ولی مردم به **مقامی** که خداوند به آنان عطا فرموده

غبطه می خورند؟

❓ آیا می دانید از نظر امام صادق علیه السلام ملاک **غیرتمند بودن** مؤمن

چیست؟

اگر دوست دارید بدانید:

❶ جانشین خدا و پیامبر در روی زمین کیست؟

❷ بهترین مردم که نه پیامبرند و نه شهید، ولی مردم به آنان غبطه

می خورند، کیست اند؟

❸ نشانه غیرت مؤمن چیست؟، به این بحث دقت فرمایید.

🔴 شروع بحث: اقناع اندیشه با توضیح و تبیین روایت

در آیات قرآن و روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، فضایل زیادی درباره

نهی از منکر مطرح شده است.

برخی از روایات برای نهی از منکر کننده درجاتی بیان کرده اند که برای شما می خوانم: رسول خدا ﷺ فرمودند:

«مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ!» کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا و پیامبرش در روی زمین است.»

توضیح

یعنی اگر ما خودمان و مردم را به آنچه نزد خدا معروف و پسندیده است امر کنیم و خود و دیگران را از آنچه نزد خدا ناپسند و منکر است بر حذر بداریم، کار خدایی کرده ایم و انگار جانشین خدا در روی زمین شده ایم!

تحریک احساس با گره با مخاطب

خوشا به سعادت کسی که خدا او را به عنوان جانشین خود انتخاب کرده و او به امر به معروف و نهی از منکر خود و دیگران مشغول است. چه سعادت از این بالاتر؟!

۱. تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، فضل بن حسن، ج ۱، ص ۴۸۴، ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران.

❧ اقناع اندیشه از طریق توضیح و تبیین

روایت دوم

پیامبر مهربانی‌ها و خوبی‌ها حضرت محمد ﷺ فرمودند:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغْبِطُهُمُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ؛ آيا به شما خبر بدهم از گروهی که نه پیامبرند و نه شهید ولی مردم در روز قیامت به آن‌ها غبطه می‌خورند؟ ... [آنان کسانی هستند که] به آنچه خداوند دوست دارد، مردم را امر می‌کنند و از آنچه خداوند دوست ندارد، نهی می‌کنند.»

توضیح

یعنی کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، مانند **شهادت** و **انبیای الهی**، نزد خداوند متعال مقام دارد.

همان‌طور که پیامبران خدا و شهدای گران‌قدر با شجاعت زندگی خود را **وقف** راه خدا کرده‌اند، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان هم زندگی خود را وقف **هدایت** خود و دیگران به سمت خدا می‌کنند.

بنابراین ثواب آن‌ها را می‌برند.

تحریک احساس با گره با مخاطب

برخی زنان و مردان مؤمن برنامه زندگی خود را طوری تنظیم کرده اند که در کنار کارهای خودشان حتماً حواسشان به خدا و به دعوت خود و دیگران به سمت خدا باشد. اگر ما هم بخواهیم، می توانیم برای نهدی از منکر و پرهیز دادن خود و دیگران از منکرات و زشتی ها راهی پیدا کنیم. فقط کافی است دائم حواسمان به خدا باشد.

افقاند اندیشه از طریق توضیح و تبیین

روایت سوم

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حَسْبُ الْمُؤْمِنِ غَيْرًا إِنْ رَأَى مُنْكَرًا أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِهِ أَنَّهُ لَهُ كَارَةٌ»^۱

در غیرتمند بودن مؤمن همین بس که هرگاه کار زشت و ناپسندی دید، خدای متعال از نیتش درباره ناخوش داشتن آن منکر آگاه باشد.

توضیح

یعنی نهدی از منکر کردن فقط به ظاهر نیست؛ بلکه قبل از اینکه با زبان و

۱. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۱، ص ۴۰۹، ح ۱.

به ظاهر خود و دیگران را نهی از منکر کنیم، باید در **قلبمان** از این کاری که نزد خدا زشت و ناپسند است دوری کنیم. مؤمن غیرتمند کسی است که با قلبش هم از گناه ناراحت می شود.

تحریک احساس با گره با مخاطب

■ یک نکته

علامت انسان **غیرتمند** این است که در مقابل ظلم و حرام، از درون و از قلب ناراحت می شود؛ مثلاً با دیدن جنایت های رژیم خون ریز صهیونی و جنایت های آمریکا بسیار ناراحت می شود. دیدن کشتن مردم، به خصوص **کودکان و زنان** بی گناه، دل مؤمن غیرتمند را به درد می آورد و حاضر است در مقابل اسرائیل و هم پیمانانش بایستد و آن ها را نابود کند.

مرحبا به سربازان امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف!

آفرین به رهبر مقتدرمان امام خامنه ای عزیز! خدا ایشان را از شر دشمنان در امان بدارد. مرحبا به دلیرمردان و شیرزنان ایران اسلامی و مقاومت که سلحشورانه در مقابل اسرائیل و آمریکا و انگلیس و دیگر زورگویان جهان ایستاده اند.

پروردگارا، رهبر عزیزمان و سربازان اسلام و نیروهای مقاومت را نصرت و یاری بفرما.

همه ما را بر دشمنان پیروز بگردان.

اسرائیل و آمریکا را نابود بفرما.

ما را با دوری از گناه و با جان و مال جزو سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بده.

❧ اقناع اندیشه با توضیح و تبیین سیره امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام غیرت الله است. وقتی خواست برای خدا در مقابل زورگویان قیام کند، عده‌ای از زنان و کودکان و مردان و جوانان و نوجوانان غیرتمند مؤمن، در راه امر به معروف و نهی از منکر، با او هم مسیر شدند.

امام حسین علیه السلام برخاست تا جلوی شراب‌خوار را بگیرد؛

امام حسین علیه السلام به پا خاست تا جلوی ظلم به مردم را بگیرد؛

امام حسین علیه السلام قیام کرد تا مردم را به دین رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام برگرداند؛

امام حسین علیه السلام برخاست تا نگذارد عده‌ای مستضعف و فقیر و زبردست باشند و عده‌ای دیگر، زورگو و شهوت‌ران و شکم‌باره؛

امام حسین علیه السلام به پا خاست تا مردم را به سمت دین واقعی خدا حرکت دهد.

ابا عبد الله الحسين علیه السلام یک «مُصلِح» است.

این تعبیر از خود ایشان است:

«أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا؛

به درستی که من از روی سرمستی و سرکشی و فسادانگیزی و ستمگری، قیام نکرده‌ام؛

وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي؛ بلکه برای تحقق رستگاری و صلاح در امت جدّم صلی الله علیه و آله قیام کرده‌ام.

أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛

می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدّم و پدرم، علی بن

ابی طالب علیه السلام، رفتار کنم؛

فَمَنْ قَبَّلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَإِنَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ؛

آن‌که مرا به حقانیت پذیرفت، [بداند که] خداوند سرچشمه حق است [و]

پاداش او را خواهد داد؛

وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ
الْحَاكِمِينَ؛^۱

و کسی که در این دعوت، دست رد بر سینه من بزند، شکیبایی می‌ورزم تا
خداوند میان من و این گروه، بر پایه حقیقت داوری کند و به حقیقت حکم
دهد، و او بهترین داوری‌کنندگان است.»

تحریک احساس با گره با مخاطب

پس هدف امام حسین علیه السلام نهی مردم از دور شدن از راه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله
و امام علی علیه السلام بود.

ما هم باید تا می‌توانیم و به هر شکلی که می‌شود، خودمان و دیگران را به
راه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام دعوت کنیم؛ مثلاً با شرکت در میدان
جنگ، و همانند ابا عبد الله علیه السلام و عزیزانش، برای رسیدن به هدف
مقدس زندگی بی‌ظلم و بدون گناه تلاش کنیم و حتی تا آخرین قطره
خون از اسلام و ارزش‌های انقلاب مقدس اسلامی ایران دفاع کنیم.

۱. الفتوح، ابن اعثم کوفی، ج ۵، ص ۲۱؛ مقتل الحسین علیه السلام، موفق بن احمد خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸؛
المناقب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ج ۴، ص ۸۹؛ بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۴،
ص ۳۲۹.

تحریک احساس با مناجات با امام حسین (علیه السلام)

یا امام حسین (علیه السلام)!

ما خودمان و عزیزانمان و رهبر عزیزمان را به شما می سپاریم.
ما دیگر نمی گذاریم حسین زمانمان تنها شود و دشمن به او دست یابد.
امان از کسانی که شما را تنها گذاشتند و باعث شدند بعد از شهادت
جوانان عزیزتان در میدان کربلا، مورد هجوم دشمنان جنایت کار
سنگ دل قرار بگیرید.

نتیجه گیری

■ بنابراین

 کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، خلیفه خدا در زمین
است و نزد خدا با ارزش است؛ ولی کسی که امر به معروف و نهی از
منکر نمی کند، خلیفه خدا در زمین نیست و پیش خدا ارزشی ندارد؛
 کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، مانند پیامبران و
شهیدان نزد خدا مقام دارد؛ ولی کسی که امر به معروف و نهی از منکر
نمی کند؛ پیش خدا ارزشی ندارد؛

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، معلوم است که **غیرت** دارد و مؤمن است؛ ولی کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند، بی غیرت است و مؤمن نیست؛

اگر می‌خواهیم خدای بزرگ ما را دوست داشته باشد و برایمان ارزش قائل شود، باید خودمان و دیگران را از بدی‌ها و زشتی‌ها بازداریم و به ایمان در جامعه کمک کنیم و **نفاق** و **دورنگی** را از جامعه جمع کنیم. و چه زیبا فرمود مولای پرهیزکاران امام علی علیه السلام:

«مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ؛

هرکس امر به معروف کند، مایه پشت‌گرمی و قوت مؤمنان می‌شود؛

وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْخَمَ أُنُوفَ الْمُنَافِقِينَ؛

و هرکه نهی از منکر کند، بینی منافقان را به خاک می‌مالد.»

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۰.



تکرار تاریخ با حماقت دوباره دشمن و مدیریت راهبردی رهبری حفظه الله

موضوع اصلی: استکبار ستیزی

موضوع فرعی: حمله اسرائیل به ایران و مدیریت جنگ

مفاد: مبلغان و مرثیان دانش آموزی

قالب: مقاله کوتاه

مدت زمان تقریبی مطالعه: ۱۰ دقیقه



مرتضی غریبان روزبهانی

مقدمه

«ای سربازان مؤمن فداکار! این مغرور جاهل متعصب، امروز با پای خود به میدان مبارزه‌ای که گور او در آن کنده شده است، قدم نهاده است. ما نیروها را به میدان خواهیم آورد. همه ملت آماده است. همه خواهیم جنگید. ملت ما باور کرده است این سخن **علی بن ابی طالب** علیه السلام را که خطاب به سلحشوران اسلام فرمود:



«فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ»^۱ قبول کرده است و پذیرفته است که اگر زنده بماند درحالی که **مقهور** سلطه ابرقدرت هاست، در حقیقت **مرده** است، و اگر به خاک و خون بغلتد درحالی که چنگال خونین ابرقدرت ها را قطع کرده است، زنده است. ما زندگی می خواهیم. ما مرگ را می خواهیم چه کنیم؟! ما به **میدان جنگ** خواهیم رفت. ما به سوی میدان جنگ پرواز می کنیم. ما میدان جنگ را سال هاست آزموده ایم. در میدان رفتن ما شکست نیست. ما به میدان خواهیم رفت. خدا راه شکست را به روی ما بسته است. دشمن خیال

کرد ما را با کشاندن به این جنگ نابود خواهد

کرد؛ اما همچنانی که پس از جنگ

خندق، کفار متلاشی و متفرق

و نابود شدند و سلسله

تهاجمات اسلامی تا

سالیان درازی دنیا را

تکان داد، این جنگ

خندق هم ما را وارد **فتوحات**

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۱.



پایان ناپذیر جهانی خواهد کرد. آن‌ها روی تانک حساب کردند، روی هواپیما حساب کردند؛ اما روی **ملت‌ها** حساب نکردند. چیزی که ما را با همه حکومت‌های طاغوتی متمایز می‌کند همین است: **﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا﴾**. قرار است آیت خدا ظاهر شود. ای جنودالله! قرار است به سراغ **فتح منطقه** ابرقدرت‌ها بروید!

تاریخ انقلاب اسلامی ایران عرصه آزمونی سترگ از **ایستادگی و هوشیاری و مدیریت الهی** بوده است. این متن نه سخن امروز بلکه بیانات مدیر باصلابت و انقلابی و شجاعی است که در نخستین روزهای هجوم صدام به خاک میهن اسلامی، با صدایی رسا و استوار، در اولین **خطبه نماز جمعه** پس از آغاز جنگ تحمیلی، ضمن هشدار شدید به دشمن، مدیران ارشد نظامی را، به پشتوانه ملت ایران، به مبارزه همه جانبه علیه دشمن فراخواندند. بیانات **حضرت آیت الله خامنه‌ای** **رحمته الله علیه** روح حماسه و ایمان را به کالبد مردم دمید و ملتی مقاوم را در برابر هجوم دشمنان متحد ساخت.



❖ حماقت صدام در جنگ تحمیلی

صدام حسین در ابتدای شکل‌گیری نهال انقلاب، با تصور ضعف ملت و نظام اسلامی، **مغرورانه** و **جاهلانه**، آتش جنگ برافروخت و به خیال خام خود، نابودی انقلاب اسلامی را هدف گرفت؛ اما این تصمیم، سرنوشت او را مُهر زد؛ سرنوشتی که امام علی علیه السلام به آن اشاره فرموده‌اند: «**فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ**؛ اگر مقهور شوید، زندگیتان مرگ است

و اگر پیروز شوید، مرگتان زندگی است.» ثمرهٔ این حماقت نه تنها فروپاشی رژیم بعث و عقب‌نشینی دشمنان از خاک ایران بود، بلکه الگویی شد برای پیروزی و پایداری ملت‌های مظلوم جهان در برابر ظلم مستکبران.

❖ حماقت اسرائیل، تکرار خطای راهبردی

امروز صحنهٔ تاریخ تکرار شده است. رژیم **کودک‌کش صهیونیستی**، با حمایت قدرت‌های استکباری و تجهیزات نظامی آن‌ها، در جنایتی آشکار، به خاک ایران حمله کرد و علاوه بر برخی مقامات ارشد نظامی و



دانشمندان هسته‌ای، تعداد زیادی از افراد بی‌گناه و به‌ویژه زن و کودک را به **شهادت** رساند؛ حمله‌ای که صرفاً نتیجه **توهم** و **ارزیابی نادرست** آن‌ها از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی بود.

بی‌شک اسرائیل و ادار به انتخاب راهی شد که پایانش تلخ و دردناک و عبرت‌آموز خواهد بود؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی حفظه الله پس از این حادثه در پیامی روشن فرمودند:

رژیم صهیونی دستِ پلید و خون‌آلود خود را به جنایتی در کشور عزیزمان گشود و ذات خبیث خود را با زدن مراکز مسکونی، بیش از گذشته آشکار کرد. رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد. دست قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او را رها نخواهد کرد، بإذن الله. در حملات دشمن، تنی چند از فرماندهان و دانشمندان به شهادت رسیدند. جانشینان و همکاران آنان بی‌درنگ وظایف خود را پی خواهند گرفت، ان شاء الله. رژیم صهیونی با این جنایت، برای خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد!



حملهٔ اخیر رژیم صهیونیستی را نمی‌توان جدا از راهبردها و اهداف قدرت‌های استکباری تحلیل کرد. اسرائیل در عرصهٔ نبرد **مستقیم** و **نیابتی**، ابزار اجرایی پروژه‌های دشمنان انقلاب اسلامی همچون **آمریکا و انگلیس** است. همان‌گونه که صدام به نیابت از قدرت‌های استکباری، جوانان میهن را به خاک و خون کشید، امروز نیز اسرائیل مأمور انجام اقدامات خطرناکی است که **قدرت‌های استکباری** حتی جرئت انجام مستقیم آن را ندارند. این نیابت، ضعف جبههٔ استکبار را هرچه بیشتر نمایان و عاقبت شومی را برای این رژیم پیش‌بینی می‌کند.

❖ مدیریت راهبردی مقام معظم رهبری حفظه الله، با واکنش قاطع و تدبیر حکیمانه

تمایز اساسی ملت و نظام اسلامی در مواجهه با بحران‌ها، رهبری داهیانه و مدیریت راهبردی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله است. ایشان در واکنش به این جنایت وحشیانه، ضمن تسلیت و تبریک شهادت فرماندهان و دانشمندان، بلافاصله جایگزینان مقتدر را منصوب فرمودند و با بیانات صریح، دستور **انتقام** و **مجازات قطعی** دشمن را صادر کردند: «رژیم صهیونیستی **اشتباه بزرگی** کرد، خطای بزرگی کرد، غلطی کرد و عواقب

او، او را بیچاره خواهد کرد، به توفیق الهی. ملت ایران از خون شهدای گران قدر نخواهد گذشت، از تجاوز به آسمان کشورش صرف نظر نخواهد کرد. نیروهای مسلح ما آماده هستند و مسئولین کشور و همه آحاد مردم پشت سر نیروهای مسلح اند. باید با قدرت عمل کرد و ان شاء الله با قدرت عمل خواهد شد و با آن‌ها مماشاتی نخواهیم کرد. زندگی برای آن‌ها تلخ خواهد شد، بدون تردید. فکر نکنند که زدند و تمام شد؛ نه! کار را آن‌ها شروع کردند و جنگ به راه انداختند. ما به آن‌ها اجازه نخواهیم داد که از این **جنایت بزرگی** که انجام دادند، خودشان را سالم خلاص کنند. مسلّم، نیروی مسلح جمهوری اسلامی ضربه‌های سنگینی بر این دشمن خبیث وارد خواهد آورد. ملت هم **پشتیبان** ماست، پشتیبان نیروهای مسلح است، و جمهوری اسلامی، به اذن الهی، بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد شد.»

این مدیریت، مبتنی بر
اتکا به **نیروی مؤمن داخلی**،
بهره‌گیری از **ظرفیت نخبگان** و
وحدت ملی و عامل اصلی شکست
طرح‌های دشمنان است.



یکی دیگر از خصوصیات ممتاز جمهوری اسلامی، پیوند ناگسستنی **ملت و رهبری** در بزنگاه‌های تاریخی است. در تجاوز وحشیانه اخیر اسرائیل، ملت ایران فارغ از سلايق سیاسی، یکپارچه و همدل پشت نظام و نیروهای مسلح قرار گرفته‌اند. پیام‌های همدلی و حمایت بدون استثنا از سوی قشرها و جناح‌های مختلف موجب تقویت جبهه مقاومت و بی‌اثر شدن **عملیات روانی** دشمنان شده است.

✚ نصرت و پیروزی ایران و پشیمانی اسرائیل

آنچه در آینده این تقابل ثبت خواهد شد، چیزی جز پیروزی **جبهه حق** نخواهد بود؛ همان‌گونه که وعده الهی است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را

یاری کنید، یاری‌تان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.» نیروی ایمان،

تجربه دفاع مقدس، وحدت ملی و رهبری حکیمانه،

بنیان‌هایی هستند که پیروزی

جمهوری اسلامی ایران را در این

نبرد تضمین می‌کنند.



رژیم صهیونیستی، برخلاف **تحلیل‌های غلط** خود، با ضربات قاطع و سهمگین جمهوری اسلامی ایران، **هزینه سنگینی** خواهد پرداخت و آرزوهای شومش نقش بر آب خواهد شد. نتانیاهو و رژیم اسرائیل بی‌تردید از کردار خود پشیمان خواهند شد. قدرت جمهوری اسلامی، عزم ملت ایران و تزلزل ساختار داخلی اسرائیل، این رژیم کودک‌کش را بیش از هر زمانی در لبه پرتگاه فروپاشی قرار داده است.

نتیجه‌گیری

تاریخ ثابت کرده که هجوم به ایران، همواره آغاز **شکست متجاوز** و حماسه **پایداری ملت مؤمن** این سرزمین است. تاریخ با تغییر بازیگران، سناریوی آشنایی را تکرار می‌کند: «حماقت دشمنان، ایستادگی و تدبیر ملت و رهبری، پیروزی جبهه مقاومت.» امروز همانند آغازین روزهای **دفاع مقدس**، این انقلاب با قدرت و تجربه و پختگی و حمایت یکپارچه ملت، از هر بحران و تهاجمی سربلند عبور خواهد کرد. این عناصر قدرت و تجربه و حمایت مردمی، در مقایسه با اوایل انقلاب، به مراتب جهش چشمگیری داشته است.



از پذیرش قطعنامه تا اقتدار دفاعی

(سیاست‌گذاری در مسیر تداوم انقلاب اسلامی)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، از آغاز
پیروزی تا کنون، با چالش‌ها

و آزمون‌های متعددی در حوزه بقا، پیشرفت و امنیت ملی روبه‌رو بوده است؛ آزمون‌هایی که گاه به ایستادگی سرسختانه و گاه به تدبیر و انعطاف مقتدرانه نیاز داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین بزرگوارها رویارویی نظام با تهاجم سراسری دشمن در قالب جنگ تحمیلی و در نهایت، رویداد تاریخی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود. اگرچه به تعبیر امام خمینی علیه السلام، پذیرش قطعنامه «نوشیدن جام زهر» بود، اما مثل همیشه، جانشینان آنان، به تبع فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، این تهدید را نیز تبدیل به فرصت کردند و با منظومه سیاست‌گذاری کلان انقلاب، از این اتفاق برای صیانت از راهبردها و دستاوردهای بنیادین نظام بهره بردند.

موضوع اصلی: حکومت اسلامی

موضوع فرعی: راهبردها و تکنیک‌های انقلاب اسلامی ایران

مفادطب: مبلغان و مرتبان دانش‌آموزی

قالب: مقاله کوتاه

مدت زمان تقریبی مطالعه: ۱۰ دقیقه



مرتضی غریسان روزبهانی

پس از آن، انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های امام خمینی رحمته الله علیه و تدابیر راهبردی مقام معظم رهبری حفظه الله وارد دوره‌ای نوین شد که سنگ بنای آن بر سیاست‌گذاری هوشمندانه در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه خودکفایی و اقتدار دفاعی، قرار گرفت. این رویکرد، با درک عمیق مقتضیات زمان، تکیه بر ظرفیت‌های ملی و پیوند وثیق با آرمان‌های اولیه انقلاب، موجب تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و جبران ضعف‌های مقطعی به پیشرفت‌های راهبردی شد.

پذیرش قطعنامه نه پایان آرمان‌های دفاعی انقلاب بلکه نقطه آغاز سیاست‌گذاری کلان برای تثبیت اقتدار در عرصه‌های نوین بود. طی این مسیر، الگوی تعامل میان راهبردهای کلان و تاکتیک‌های انعطاف‌پذیر، نقش محوری در حفظ استقلال و افزایش بازدارندگی و استمرار حرکت تمدنی انقلاب ایفا کرده است. دستگاه سیاست‌گذاری، مبتنی بر رهنمودهای مقام معظم رهبری حفظه الله و درس‌های دوران دفاع مقدس، شیوه‌هایی بدیع در عرصه‌های علوم و صنایع دفاعی و مقاومت فعال ابداع کرد. در جریان مذاکرات، علی‌رغم اینکه مقام معظم رهبری حفظه الله مذاکره را بی‌حاصل می‌دانستند و در دیدار تجمع

پنج‌هزار نفره فرماندهان بسیجی در مصلاي تهران مخالفشان را اعلام فرموده بودند، مثل امام علیه السلام با **نرمش قهرمانانه** در مواجهه با مذاکره تحمیلی، آن را تمرین و تجربه برای ملت برشمردند و تا رسیدن عموم جامعه به فهم مشترک در **بی حاصلی مذاکره**، با دولت وقت همراهی کردند. البته هنگامی که مجلس یازدهم به عنوان نمایندگان ملت، طرح صیانت از حقوق هسته‌ای را به عنوان **برخورد فعال** به جای برخورد انفعالی تصویب کرد، رهبری معظم علیه السلام از آن دفاع کردند و به خاطر این مصوبه، از این مجلس تکریم کردند و آن را مجلسی انقلابی دانستند.

سؤالی که امروزه مطرح می‌شود این است که **انعطاف و نرمش** در حوزه دیپلماسی به چه معناست و چه ابعادی را شامل می‌شود. آیا نوعی عقب‌نشینی است؟ آیا پایان شعار «**مرگ بر آمریکا**» فرا رسیده است؟ آیا می‌توان ماجرای مذاکرات اخیر را با ماجرای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷ یا با حوادثی نظیر صلح حدیبیه و صلح امام حسن علیه السلام مقایسه

کرد؟ نقشه و تدبیر مهندسی شده

رهبر معظم انقلاب علیه السلام کدام

است؟



و آیا آنچه در عمل اتفاق می افتد، عمل به اجزاء این تدبیر است؟

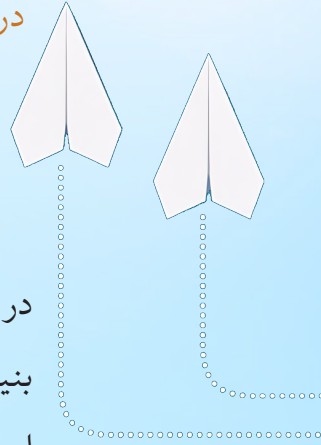
در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی، جهت یابی کلان بر پایه حفظ اصول و آرمان های انقلاب شکل می گیرد و هر تصمیم سیاستی باید هم سو با این بنیادها باشد. تصمیمات کلیدی که گاه رنگ انعطاف به خود می گیرند، هرگز حاکی از عدول از راهبردهای اصیل نیست؛ بلکه به اقتضای «مدیریت شرایط» در راستای صیانت از آنها تفسیر می شود.

این نوشتار با مروری تحلیلی بر سیر تحولات از پذیرش قطعنامه تا اقتدار دفاعی، الگوی تعامل راهبرد و تاکتیک را در متن تداوم انقلاب به بحث می گذارد و با تأمل در سیر تحولات سیاست گذاری انقلاب اسلامی از پذیرش قطعنامه تا عصر اقتدار دفاعی، به تحلیل پیوند راهبرد و تاکتیک، نقش رهبری در تداوم مسیر، و دستاوردهای صنایع دفاعی پرداخته و ارتباط وثیق میان تدبیر هوشمندانه در بزنگاه ها و صیانت از آرمان های انقلاب را تبیین کرده است.

➤ راهبرد و تاکتیک در منظومه سیاست گذاری انقلاب اسلامی

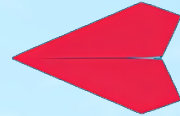
دوگانه «راهبرد» و «تاکتیک» شالوده بسیاری از تصمیم های بزرگ بوده است؛ جایی که سیاست گذار میان «پایبندی به اصول» و «انعطاف

در روش، راه خود را می‌یابد. از منظر اسلامی، مبنای این تمایز را می‌توان در آیاتی همچون ﴿فَمَنِ اضْطُرَّ...﴾ و قاعده «أهم و مهم» در فقه جست‌وجو کرد که احکام اضطراری را ذیل حفظ ضروریات دین، مشروع می‌داند.



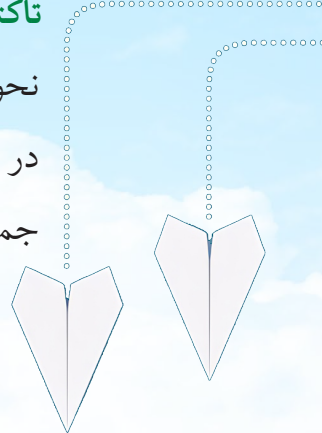
در هندسه فکری انقلاب اسلامی، دوگانه «**راهبرد-تاکتیک**» نقشی بنیادین در نظام تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری دارد. در تفاوت این دو باید گفت:

راهبرد بر اصول و اهدافی تکیه دارد که تغییر نمی‌یابند؛ مانند حفظ عزت، حفظ نظام، استقلال؛



تاکتیک انعطاف، اقتضا و چگونگی تحقق آن اصول است؛ مانند نحوه مذاکره.

در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه و رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه راهبرد جمهوری اسلامی بر صیانت از «**عزت و استقلال و آرمان‌های اسلامی**» استوار است و تاکتیک روش تحقق این اصول در شرایط متغیر.



مقام معظم رهبری حفظه الله بارها از لزوم تفاوت‌گذاری عمیق میان این دو سخن گفته و در منظومه فکری ایشان، **راهبرد** مسئله‌ای کلان و عمیق و فراگیر است؛ اما **تاکتیک** موقتی و متناسب با شرایط و اقتضای هر زمان و مکان است. در مقام سیاست‌گذاری، این تفاوت بنیان تصمیمات حساس نظام را روشن می‌کند: در جاهایی ممکن است در روش‌ها انعطاف داشته باشیم، اما در اصول انقلاب هیچ انعطافی روا نیست، و این همان تفاوت «تاکتیک» با «راهبرد» است.

این نگرش راهبردی، ریشه در کلام بنیان‌گذار انقلاب نیز دارد؛ آنجا که **امام خمینی** رحمه الله تأکید می‌کنند که ما اصل را که **حفظ اسلام و دفاع از کشور** است، هیچ وقت ترک نکرده‌ایم؛ اما در عمل، بسته به پیشامدها ممکن است سیاست و جهت‌گیری خود را تغییر دهیم. در منظومه انقلاب اسلامی، راهبرد همواره همان «**مقاومت و استقلال و عزت**» بوده و تاکتیک‌ها تابع شرایط و الزامات زمان انتخاب می‌شوند. بنابراین

«تغییر روش تغییر مقصد نیست»؛ بلکه «حرکت

حکیمانه در مسیر مقصد» است.



🔴 سیاست‌گذاری دفاعی در دوران دفاع مقدس و پذیرش قطعنامه

دفاع مقدس آزمون عینی تمایز تاکتیک و راهبرد بود؛ صحنه‌ای که باور و ایثار و خرد در هم تنید و تصمیمات سرنوشت‌ساز گرفته شد. در کنار استنادات تاریخی، شواهد قرآنی مانند آیه **﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾**^۱ بر آمادگی و احتیاط در مقابل دشمن تأکید می‌کند. از ویژگی‌های ممتاز اندیشه و رفتار امام خمینی علیه السلام در هشت سال دفاع مقدس، وفاداری هم‌زمان به اصول و اتخاذ رویکردهای انعطاف‌پذیر در تاکتیک‌های **نظامی و سیاسی** بود. هدف اصلی حضرت امام علیه السلام در آن دوران، ایستادگی بر سر اصول اسلام و انقلاب بود. ایشان با وجود فشارها، بارها تأکید کردند که دفاع از اسلام و عزت ملت، خط قرمز سیاست‌گذاری است و جنگ با استکبار باید ادامه داشته باشد تا دشمن را سر جای خود بنشانند:

شما می‌دانید که من باشما پییمان بسته بودم که
تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم.^۲

۱. انفال/۶۰.

۲. صحیفه امام علیه السلام، ج ۲۱، ص ۹۵.



قطعنامه ۵۹۸

یکی از مراحل حساس در

دوران رهبری امام راحل

عظیم الشان، تصمیم ایشان در تداوم جنگ

تحمیلی یا پایان آن بود که در نهایت به پذیرش **قطعنامه ۵۹۸** شورای

امنیت سازمان ملل و پایان جنگ منجر شد و معظم له از آن به «**نوشتن**

جام زهر» تعبیر کردند.

در بزرگراه پذیرش قطعنامه، آنچه به عنوان تاکتیک پیش آمد، برآمده از

فتوای شرعی **فقه حکومتی و عقلانیت جمعی** بود. امام علیه السلام در بیانیه

پذیرش قطعنامه، تلخی تصمیم را آشکارا نشان دادند؛ اما تبعیت

از مصلحت شرعی و حفظ اصل نظام را ارجح دانستند. در آستانه

پذیرش قطعنامه، ایشان با صراحت، از مشورت با کارشناسان ارشد و

شرایط ویژه کشور سخن گفتند و اعلام کردند:

قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است؛ ولی راضی

به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.^۱

۱. صحیفه امام علیه السلام، ج ۲۱، ص ۹۵.

این تصمیم نشانه ترجیح مصلحت حفظ کیان اسلام (قاعدهٔ اهم و مهم) بر تداوم جنگ و آسیب بنیادین به ملت بود. در عمل، این تدبیر، انقلاب اسلامی را نه به عقب نشینی بلکه به **بازآرایی راهبردی** و آغاز فصلی نو سوق داد.

جمهوری اسلامی ایران ثمرهٔ این نرمش قهرمانانه در قطعنامهٔ ۵۹۸ را در عملیات «**مرصاد**» برداشت کرد. منافقین بعد از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه گمان کردند که ایران ضعیف شده و الآن فرصت حمله به ایران است. منافقین با حمایت کامل غرب، به کشور حمله کردند؛ اما با پاسخی محکم و کوبنده مواجه شدند. این پاسخ نشان داد که جمهوری اسلامی ایران نه تنها از اصل **مقاومت** و **استقلال** کوتاه نیامده و به آن پایبند است، بلکه در موقعیت‌های سخت، توانایی تحلیل شرایط و اتخاذ تصمیمات مقتدرانه را دارد. این تجربه نشان داد که نرمش قهرمانانه نه تنها در جنگ بلکه در سیاست‌گذاری و مقاومت، چاره‌ای جز حفظ اصل امنیت کشور و ملت ندارد.



سیاست‌گذاری اقتدار با تقویت صنایع دفاعی

در اندیشه دینی، دفاع و اقتدار از **ضروریات** است و توقف در سطح اضطراب جایز نیست. **رشد صنایع دفاعی**، پاسخ به فرمان قرآنی برای تقویت بنیه هاست. پس از پایان جنگ، رویکرد از دفع تهدید به **ایجاد بازدارندگی** تحول یافت. بنابراین پایان جنگ آغازی بود بر تحرک جدید در سیاست‌های دفاعی و علمی کشور.

امام خمینی رحمه الله پس از پایان جنگ، بر **ضرورت بازسازی و خودکفایی** تأکید کردند: «قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، **حربه تبلیغات** جهان‌خواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث رانمی‌توان به طور قطع و جدی پیش‌بینی کرد. هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته و چه بسا با بهانه‌جویی‌ها، به همان شیوه‌های

تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای **دفع**

تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا

باشیم. ملت ما هم نباید

فعالاً مسئله



را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید **بنیه دفاعی** کشور در بهترین وضعیت باشد.^۱

این رهنمود امام خمینی رحمته الله علیه، پس از ارتحال ایشان محور سیاست‌گذاری رهبری معظم رحمته الله علیه قرار گرفته است. ایشان بارها با لحن الزام‌آور در دیدار با مسئولان دفاعی کشور، بر افزایش توان و قدرت **نظامی** تأکید داشته‌اند و دستاوردهای صنایع دفاعی ایران را نتیجه همین «**راهبرد سیاست‌گذاری مقتدرانه**» می‌دانند و معتقدند: «راه مقابله با دشمن این است که ما به عکس و برخلاف خواسته او، روی عناصر **اقتدار** خودمان تکیه کنیم.»^۲ ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «دشمن با اقتدار جمهوری اسلامی مخالف است. هرچه عنصر و مایه **قدرت** در جمهوری اسلامی است، دشمن با آن مخالف است. ما باید علی‌رغم

۱. صحیفه امام رحمته الله علیه، ج ۲۱، ص ۹۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۹۶/۰۸/۰۳.

دشمن، سعی کنیم عناصر قدرت را در داخل جمهوری اسلامی افزایش بدهیم... یکی، **قدرت دفاعی** است؛ همین مسئله موشک ها و این حرف هایی که سروصدا می کنند. باید روزبه روز این قدرت دفاعی افزایش پیدا کند.»^۱

↪ استمرار راهبرد و تغییر تاکتیک؛ الگوی سیاست گذاری نوین

در محیط پیچیده امروز، سیاست گذار هوشمند

کسی است که هم **تلاطم ها** را بشناسد

و هم **اصول** را پاس بدارد. آنچه به عنوان

«**نرمش قهرمانانه**» مطرح شد، خوانشی

قرآنی از «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»^۲

یعنی پایداری و مبارزه مدبرانه با دشمن است.

در سال های اخیر و تحت شدیدترین تحریم ها، دوباره

مسئله **راهبرد و تاکتیک** به اوج رسیده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار نخبگان جوان علمی،

۱۳۹۶/۰۷/۲۶.

۲. فرقان/۵۲.



رهبر معظم انقلاب حفظه الله در تبیین «نرمش قهرمانانه» چارچوب فکری این سیاست‌گذاری را بیان فرموده‌اند و معتقدند: «ما مخالف با حرکت‌های **صحیح و منطقی** دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه». نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد؛ اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فتی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست، فراموش نکند که مشغول چه کاری است. این شرط اصلی است: بفهمند که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجه‌اند، با چه کسی طرف‌اند، آماج حمله طرف آن‌ها کجای مسئله است. این را توجه داشته باشند!»^۱

مقام معظم رهبری حفظه الله همچنین در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران درباره ضرورت پرهیز از **حالت دفاعی** در مسائل سیاسی به عنوان یکی از ویژگی‌های روحیه انقلابی، تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «نمایندگان سیاسی جمهوری

۱. بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۹۲/۰۶/۲۶.



اسلامی ایران در جهان باید تیزتر از
شمشیر، نرم‌تر از حریر و سخت‌تر
از سنگ و پولاد باشند.
عرصه سیاست خارجی
میدانِ نرمش‌های

قهرمانانه است؛ اما نرمشی که در برابر دشمن تیز باشد. بنابراین
دیپلمات‌های ما باید در مواضع اصولی خود مستحکم بایستند و
استقامت و پایداری حضرت امام خمینی علیه السلام را الگوی خود قرار دهند.^۱
از این رو باید توجه داشت که در برخی **عقب‌نشینی‌های تاکتیکی** نمی‌توان
برداشت‌های غلط برخی جریان‌های سیاسی را پذیرفت و تصور کرد که ایران
اسلامی دچار سستی و ضعفی شده یا درباره آینده راه خویش دچار تردید
شده یا حاضر به کوتاه آمدن از اهداف خویش است؛ بلکه مسئله نرمش
قهرمانانه و شرط اساسی آن، که در تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام
بیان شد، مصداقی برای اصل کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی
ایران است که همان سیاست «**عزت، حکمت، مصلحت**» است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵/۰۵/۱۷.

➤ تعامل راهبرد و تاکتیک و سیاست‌گذاری پایدار؛ تجربه زیست انقلاب اسلامی

نظام سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ثمره نهالی است که در کویر «فشار و تهدید» کاشته شد اما با تدبیر آبیاری گردید؛ سیاستی که اصول دینی را پاس می‌دارد اما از هوشمندی و تغییر ابزارها ابایی ندارد. نگاه رهبران انقلاب اسلامی به مقوله سیاست‌گذاری، مبتنی بر درهم تنیدگی حکیمانه راهبردهای کلان و تاکتیک‌های به‌هنگام است. با تأمل در کارنامه سیاسی-دفاعی جمهوری اسلامی می‌توان سه اصل کلیدی سیاست‌گذاری را استخراج کرد:

- ۱ پایبندی به اصول و آرمان‌های اسلامی و ملی؛
- ۲ استفاده انعطاف‌پذیر و هوشمندانه از روش‌ها برای تحقق آن آرمان‌ها؛
- ۳ توانمندسازی علمی و دفاعی کشور برای تضمین امنیت و پیشرفت پایدار.

به تعبیر رهبر معظم انقلاب حفظه الله، «اگر چنانچه در مقابل دشمنی که مهاجم به شماست، عقب‌نشینی غیر تاکتیکی کردید - گاهی اوقات عقب‌نشینی هم یک تاکتیک است مثل پیشروی، که آن عیب ندارد:

﴿إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ﴾؛ تاکتیک این است - اگر غیر از این موارد عقب نشینی کردید، ﴿فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ﴾.^۲ در میدان نظامی این است، در میدان سیاسی هم عیناً همین جور است.^۳

نتیجه‌گیری

موفقیت در بزنگاه‌های دهه‌های گذشته محصول پیوند حکیمانه میان راهبردهای کلان (عزت، استقلال، مقاومت) و انتخاب تاکتیک‌های هوشمندانه و انعطاف‌پذیر بوده است. این مدل سیاست‌گذاری، نه صرفاً شعار بلکه راهبردی دین‌محور و تجربه‌پذیر و آینده‌دار است که می‌تواند الگوی سایر ملت‌های جویای استقلال قرار گیرد. تحلیل تجربه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که رمز بقای آن در پیوند سیاست‌گذاری راهبردمحور با استفاده هوشمندانه از تاکتیک‌های به‌روز و همچنین تکیه بر رهبرانی است که هم اصل و هم وظیفهٔ زمانه را به‌درستی می‌شناسند. از این رو گذار از پذیرش قطعنامه تا اقتدار دفاعی، یک

۱. انفال/۱۶.

۲. همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار دست‌اندرکاران کنگرهٔ ملی شهدای استان کهگیلویه و

بویراحمد، ۱۴۰۲/۰۵/۲۴.

الگوی ناب مدیریتی و سیاست‌گذاری برای همه نسل‌های آینده و حتی سایر ملت‌های جبهه مقاومت است. این الگو می‌تواند در آینده برآساس این اصول تداوم یابد:

✓ تقویت پیوسته صنایع دفاعی و فناوری‌های نو؛

✓ استمرار دیپلماسی عزتمدانه و هوشمند؛

✓ توجه ویژه به تربیت نسل

جدید مدیران و

نخبگان راهبردی؛

✓ حفظ پیوستگی میان

فقه و علم مدیریت

و استفاده از

ظرفیت‌های دینی

در تبیین سیاست‌های کلان؛

✓ ارزیابی مداوم تاکتیک‌ها و یادگیری مستمر تحولات

جهانی برای حفظ و توسعه اقتدار ملی.



جهت آشنایی هر چه بیشتر مبلغان عزیز با اخبار و تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی روز

خبرنامه تحلیلی سیاسی



هر روز منتشر می‌شود.



اسکن کنید

جهت عضویت به آدرس **@manba313** در پیام رسان ایتما مراجعه کنید.

[illegible]

دلنواشته!

نگاهم به آسمان تیره که همچون لباسی شب را در بر گرفته، گره می خورد و زیر لب نام تو را زمزمه می کنم...؛ هرچند این ترنم و تمنا مختصّ زبانم نیست و تمام وجودم تو را می خواند و برای گذر از همه لحظات روشن و تاریک زندگی ام، محتاج تر از هر چیزی به نگاه و عنایت توست تا تردیدی بر ضمیر و ایمان قلبی ام تار نبندد، دلهره ای بر دلم غالب نشود، وهمی افکارم را لبریز از خیال واهی نسازد، تیرگی مانند حصاری دیدگانم را محبوس نکند، و لغزشی در مسیرم رخ ندهد.

پروردگارا، هرچه اعماق وجودم را می کاوم، تو را در همه حال و به هر صورت،

پناهی امن و ابدی برای خویش می بینم.

معبود من، اینکه در برابر حتی بخش کوچکی از گیتی هم نادیدنی و ناشناختنی ام و در تمام لحظات که تمام هستی در تابعیت تامّ تو آند، قادرم با ارتباط قلبی با والاترین و عظیم ترین وجود هستی سخن گویم، مرا مفتون ارتباطی عمیق تر با خالق می سازد که وجودش را بسیار نزدیک تر از رگ گردن به خود می دانم. پس روی بر آسمان می نهام و تمام اراده و توانم را به کار می گیرم تا شاید قدری، به وسع همین روح زمینگیر هم که شده، خود را در میان واژه ها و کلمات رها سازم تا بتوانم سخنی از دل برای حمد تو و سپاس از تو بر کاغذ بنگارم.

پروردگارا، همان طور که تو را از آغاز در سطر به سطر زندگی ام یافته ام، از تو می خواهم تا پایانی ترین بند زندگی ام نیز حضورت برایم ملموس بماند...

صالحه زنگونی